

دفعه ضمن دفعه	قانون	دفعه
	۱۹ باب نیلام	
X	سوم پنجم صاحبان بود در ماده نیلام اراضیات حکم دادن می توانند	
X	اما بلا اجازت گونر جنرال نیلام نخواهد کردید *	
X	در صورتیکه تاروز معینه نیلام چیزی ماکداری یا جرمانه باقی خواهد بود بجهت آن نیلام خواهد کردید *	
X	مال و اشیای عمده ملکی متعلقه مال و ضامن آنها کدام وقت	شازدهم
X	لاابق نیلام خواهد شد *	
X	نیلام مال مرتومه الصدر در کدام حالت کدام کس موقوف کردن می تواند *	نوزدهم
	در باب گونر جنرال و بود و صاحبان مکتور عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها و مکان زمین واقع است *	
	۲۰ باب صدر دیوانی عدالت	
X	امتناع است که بعد از تاریخ قانون هذا استماع اپیل مقدمات انفصالی عدالت دیوانی مفصل سابق نماید اما درخواست اپلیکه پیشتر گرفته باشند تجویز و انفصال مقدمه آن خواهند نمود *	دوم
X	در باب کورت اپیل مفصل واقع است *	
	۲۱ باب عدالت های دیوانی اضلاع و شهرها	
X	کسانیکه شراب و همزه مسکرات بدین حصول اسناد تیار سازند یا بفروشند از آنها چقدر جرمانه خواهند گرفت *	اول
X	کدام حالت جرمانه بگویند؟ داده خواهد شد و کدام وقت از گوینده بمده می علیه تخرجت تاران دهانیده خواهد شد *	سوم
X	کدام وقت سزای جرمانه بومیه بیابکان از اهل تقصیر کدام وقت از سرکار دهانیده خواهد شد *	پنجم
X	کدام وقت دارو هه های پولیس جوابد؟ جرمانه مرتومه الصدر خواهند شد *	ششم
X	بچه عنوان تجویز مقدمه و وصول جرمانه خواهند نمود یا اهل تقصیر را بنوع دیگر سزا خواهند داد *	هفتم
X	در صورتیکه کسی مستغیث نایبات رساند که صاحب مکتور از ورا غیر واجبی برای سرکار گرفته اند درینصورت بر مکتور موصوف چه حکم صادر خواهد گشت *	دوازدهم

دفعه	دفعه	قانون
X	شانزدهم	سوم عمله ملکی متعلقه مال را حسب درخواست صاحبان تکثیر قید خواهند نمود *
X	هفدهم	ایضا عمله ملکی متعلقه مال که بگریزد مطابق درخواست آنها را گرفتار ساخته بضرعیکه تعلق دارد خواهند فرستاد *
X	نوزدهم	ایضا بکدام حالت عمده ملکی متعلقه مال یا مال ضامنان آنها را که حسب نالش صاحبان تکثیر قید شده باشند خلاص خواهند نمود و نیلام مال آنها موقوف خواهند کرد *
X	بیست و دوم	ایضا در هر هفته بگریزی یا زیاده از آن برای تجویز مقدمات مال معین سازند و مقدمات مذکور را قبل از تجویز جمیع دیگر مقدمات تجویز نمایند *
X	ششم	چهارم شرح پته چطور معین خواهند نمود و از چه رو *
X	دوم	هشتم احکام مدد رجه عوض دفعه ششم قانون سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی *
X	سوم	ایضا بعض مقدمات بنابر تجویز و انفصال بصاحبان رجستر سپرد خواهند کرد *
X	ششم	ایضا دگری صاحبان رجستر ملاحظه و تبدیل کردن می توانند و دگری جج مکمل خواهد بود سبب ملاحظه و تبدیل دگری صاحب رجستر بروی کاری خواهند نوشت *
X	دهم	ایضا در رجست ماهواری بابت مقدمات انفصالی و رجست شش شش ماهی بابت مقدمات ملتوی که پیش صاحبان صدر دیوانی عدالت و صاحبان کوریت اپیل حکم ارسال داشتن است چه شرح نوشته خواهد شد *
X	یازدهم	ایضا مقدمانیکه لایق تجویز صاحبان رجستر باشد درباره ابتدای تجویز آن بصاحبان جج امتناع نیست و دگری جج مکمل خواهد گردید و منع نیست که بعض مقدمه بکمیشران ملکی سپرد نمایند *
X	سیزدهم	ایضا اختیار آن دارند که کاغذ حساب بصاحبان تکثیر رجست رفع آن سپرد نمایند و متخاصمین یا ولای آنها را پیش صاحبان تکثیر رجوع گردانیدن و اختیار قسم دهانیدن گواهان بصاحبان موصوف دادن و حسابیکه صاحبان موصوف رفع نمایند انرا تغیر و تبدیل کردن می توانند *
X	سوم	ایضا صاحبان رجستر کدام مقدمه تجویز کردن و در هفته چند مرتبه

خلاصه قوانین سنه ۱۷۹۴ عیسوی

دفعه ضمن دفعه	قانون	دفعه
	اجلاس نمودن می توانند	
X	کدام جا اجلاس خواهند نمود	هشتم چهارم
X	از روی کدام قاعده مقدمه تجویز خواهند کرد	ایضا پنجم
X	فیصله آنها در باره کدام مقدمه و تا جقدر مکمل خواهد بود	ایضا ششم
X	کدام مقدمه از انفصالی آنها اولاً در کورت اپیل مفصل اپیل شدن می تواند	ایضا هفتم
X	چطور طلب چتهی نسبت بمقدمات مفروضه بمساحبان رجستر جاری کرده خواهد شد *	ایضا هشتم
X	مقدمانیکه پیش مساحبان رجستر تجویز شود سوال وجواب آن کدام کس خواهد کرد	ایضا نهم
	در باب مساحبان کلکترو عمده ملکی متعلقه مال و پولیس و نیلام و کورت اپیل مفصل و جرمانه واقعه است واضح و لایح باد در ذیل باب ها که مندرج گردید که در باب فلان فلان واقعه مخبر است بر اینکه سواي مرامات مندرجه باب مذکور مابقی مراتب آن در فلان فلان باب واقع است	

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

قوانین سال یکهزار و هشتاد و نود و پنج عیسوی

سنه ۱۷۹۵

مصدیره از حضور نواب گورنر جنرل بهادر

در اجلاس کونسل

مطبوعه طبع خانه سری رام پور

در سال یکهزار و هشتاد و بیست و هشت عیسوی

سنه ۱۸۲۸

قانون اول سنه ۱۷۹۵ عیسوی

قانون پنجم جمع اراضی که در بنارس مقرر است برای مداومت آن و جهت تعال
 نمودن سابق زمینداران و برای جاری کردن قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۳ عیسوی
 بشهر و اضلاع بنارس واقع بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق
 شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنگله موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ فصلی
 مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق بیست و یکم ماه چیت سنه
 ۱۸۵۲ مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری *

دفعه اول

دستوراتی که بصوبه بنکلا و بهار و اودیسه مقرر است کورنر جنرال باتفاق راجه
 بنارس همان دستورات بشهر و اضلاع بنارس مقرر فرمودند مطابق مناسب جاها
 بعمل خواهد آمد برای استعکام دستور مذکور ضرور است که جمع زمین سالانه
 مقرر شود بعنوانیکه بدیباچه قانون دوم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نوشته می شود لهذا
 احکام تفصیل الذیل مرقوم میگردد *

دفعه دوم

در آخر سنه ۱۱۹۵ فصلی کورنر جنرال رزیدنت صاحب را اجازت داده بودند که از سن
 آینده یعنی سنه ۱۱۹۶ فصلی بند و بست جمع زمین باختبار خود خواهد نمود
 مطابق آن صاحب موصوف بند و بست نموده بعضی عاملان را بینه بمیعاد
 یکسال و بعضی را بمیعاد پنج سال داده درین آنها جمع مقرری نوشته بود اما
 کورنر جنرال بغا طر آورده بودند که هر آنچه دستورات بابت بند و بست ده ساله
 بصوبه بنکلا و بهار و اودیسه مقرر گردیده همان دستورات از ابتدای سنه ۱۱۹۷
 فصلی مطابق مناسب جاها بشهر و اضلاع بنارس مقرر گردد مطابق آن دستورات
 در سن گذشته یعنی سنه ۱۱۹۶ مذکور عاملانیکه بمیعاد پنج سال بینه یافته بودند و
 در سنه ۱۱۹۷ فصلی قول اینمعنی نموده بودند که رزیدنت صاحب برای باقی میعاد چهار
 ساله عاملان مذکور بمهر و دستخط خود و مهر دستخط عاملان مذکور در باره
 مقرری جمع زمین تعلقه داران و زمینداران مواضع و مستاجران را بینه خواهند داد
 و در همان بینه تعادل جمع که عاملان خواهند یافت و در سوکار نشان خواهند

ذکر کیفیت مقرر شدن
 جمع ده ساله شهر و اضلاع
 بنارس *

قانون اول سنه ۱۷۹۵ عيسوي

کرد نوشته بود و در جائیکه بميعاد یکسال پته داده و ميعاد آن منقضي شده پته جدید به تعلقه داران و زمینداران مواضع و مستاجران بدستخط رزیدنت صاحب راجه صاحب داده شده بودند و جمعی که معرفت عاملان تقرر یافته برای ده سال مقرر گردیدند و رزیدنت صاحب بتاريخ بیست و ششم ماه اپریل و سی ام ماه نوامبر و ششم ماه دسمبر سنه ۱۷۸۹ عيسوي و بیست و پنجم ماه نوامبر سنه ۱۷۹۵ عيسوي کینیت این بند و بست معه کاغذات لوازمه آن بحضور گورنر جنرال ارسال نموده بودند و گورنر جنرال انرا ملاحظه فرموده بتاريخ یازدهم ماه نوامبر سنه ۱۷۹۱ عيسوي بند و بست چهار ساله و ده ساله مل کردین بانه تعلقه داران و زمینداران مواضع و مستاجران منظور کرده حکم فرمودند که بته چهار ساله آینده تاشش سال بحال خواهد ماند در بصورت در و بست ده ساله بند و بست کرده خواهد شد و پته داران را استمالت و دلجمعی خواهانند نمود که هر آنچه جمع و رسد تا آخر سال ميعاد بته مقرر است و تا که تعلقه داران و غیره در ای آن خواهند پرداخت فی عمرهم زیاده از آن طلب نخواهد شد احکام هذا دفعه بدفعه با آنها اطلاع داده شده و سواي بعض پته داران چند پرگنه و بعض زمینداران و مسناجران تمامی دیگران شروط پته بعمل آورده اند و بموجب آن حکم حق مبدارید که زمین آنها بجمع مقرر تا مدت حیات آنها بحال باشد درینولا گورنر جنرال مقرر فرمودند که بموجب پته چهار ساله و ده ساله آنچه جمع خواه زمینداران خواه مسناجران مقرر شده و شروط پته بعمل آمده باشد همان جمع دوام بحال و برقرار خواهد بود و کسانیکه بالاجل بموجب قانون بر اراضی و غیره نخیل اند یا آینده نخیل خواهند گردید سواي جمعی و رسدی که تا اخیری سال ميعاد پته باشد چیزی زیاده از آن ها طلب نخواهد گردید و برای مشتهر گردیدن این احکام رزیدنت صاحب را لازم است که اشتهارنامه بمضمون دفعات ذیل بانها واقف کند *

ذکر اینکه کسانیکه شروط پته بعمل آورده اند جمع مندرجه پته آنها دوام بحال خواهد ماند *

دفعه سوم

دفعه هذا مشتمل است بر شش دفعه اول اینکه بتاريخ یازدهم ماه نوامبر سنه ۱۷۹۱ عيسوي گورنر جنرال بند و بست چهار ساله که در سنه ۱۱۹۷ فصلی مطابق سنه ۱۷۸۹ سنه ۱۷۹۰ عيسوي چهار سرکار متعلقه بنارس گردیده بود انرا منظور و بحال داشته به نسبت پته چهار ساله حکم فرمودند که هر قدر جمع در سال چهارمی پته مل کردین خواهد شد همان قدر آینده تاشش سال بحال و برقرار خواهد ماند بحد نظر اینکه پته که برای چهار سال و ده سال داده شده بود هر سو یکسال باشد درینولا گورنر جنرال ارشاد فرمودند که جمع پته چهار ساله و ده ساله مدام بحال خواهد ماند و هر آنچه جمع میشی و رسد و غیره در پته مذکور

مضمون اشتهار نامه اینکه هر قدر جمع بموجب بند و بست چهار ساله و ده ساله مقرر شده بود دوام برقرار خواهد ماند

مذکور مقرر و مندرج باشد زياده ازان پته دارانيکه ادای مالگذاري کرده و شروط پته بعمل آورده و نیز از کسانی که آينده همان پته بپایند و بادی خراج و عمل آوردن شروط آن پردازند طلب نخواهد گردید *

دوم اينکه گورنر جنرال احکام اشتهاار نامه مرقومه الصدر بلحاظ احکامی که بدفعات ذیل مندرج میگردد کرده بودند *

سوم اينکه پته داران معلوم نمایند که قانونیکه در باب آنها و درباره بحال داشتن حقوق پتي داران و حصه داران ملکیت ورعا یا و عدالت بموجب قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۳ عيسوي از حکم گورنر جنرال چهارپه و جاری شده یا خواهد شد بعمل خواهند آورد *

چهارم اينکه از روی قرآنین بنارس که بموجب قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۳ عيسوي چهارپه و جاری گردیده یا گردد ورثه زمینداري و املاک موافق شرع یا شاستر یا رواج الملک خواهد رسید *

پنجم اينکه در صورتیکه قبل از غره ماه جولای سنه ۱۷۷۵ عيسوي که اضلاع بنارس بمعطه تصرف کمپنی انگریز بهادر درآمده است کسی زمیندار از زمینداري خود بیدخل شده مجالش باجاره کسی مستاجر درآمده باشد وان مستاجر فوت کند یا پته اش بوجهی باطل گردد بس درینباب باتفاق راجه بنارس تقریر یافت که اینقسم زمینداري و ارثانش بحق خود بحال خواهند گردید بشرطیکه جمع پته و احکام تمامی قانون بابت تحصیل خراج و عدالت و غیره که مطابق قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۳ عيسوي باشد قبول کنند و بعمل آرند و بعد اقبال اینمعنی بحال مذکور بمستاجرنویا بوارث پته دار سابق نداده بران زمینداري یا وارثانش مقرر خواهد شد *

ششم اينکه زمیندارانيکه در ایام تقرر بند و بست مقرر از زمینداري خود ها بیدخل بودند و بعد غره ماه جولای سنه ۱۷۷۵ عيسوي بر زمینداري خودها مداخلت نموده بودند ان زمینداران بموجب رواج متعارفه بنارس از مستاجرانیکه پته اجاره مجال ان زمینداران میدارند و بر مجال آنها قابض و دخیل اند مستود کرده گرفتن می توانند بشرطیکه در عدالت دیوانی ثبوت کنند که گاهی از ابتدای سنه مذکور لغایت بند و بست مرقوم دخیل شده بودند صاحب عدالت را باید که اگر احدی از زمینداران دعوی این معنی نماید و با ثبات رساند که در عرصه مذکور انکس گاهی بر زمینداري دخیل شده بود درباره بحال کردن و دخل یافتن آن زمیندار گوی سازد لیکن خسارت و نقصان مستاجر بسبب گرفتن پته

ذکر اینکه احکام اشتهاار نامه هذا بمحل نظر احکامی که به ذیل نوشته می شود کرده بودند *

ذکر اینکه قانونیکه بموجب قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۳ عيسوي جاری گردید یا گردد پته داران و غیره بعمل خواهند آورد ذکر اینکه ورثه زمینداري و املاک موافق شرع و غیره خواهد رسید *

ذکر اینکه اگر زمیندار و هیچیک مجال پیش از غره ماه جولای سنه ۱۷۸۵ عيسوي بیدخل شده باشد و مجال او باجاره مستاجری درآمده باشد و انمستاجر فوت کند یا پته کسی مستاجر باطل شود سوای آن زمینداري وارثانش کسی مستاجرنویا و غیره ان مجال نخواهد یافت *

ذکر اینکه زمیندارانيکه بعد از سنه ۱۷۷۵ عيسوي بر زمینداري خود دخل یافته بودند با دخل کردن می توانند *

هرکار که قبل از دخل یافتن زمیندار شده باشد و مستاجر انرا ثابت کند قرار واقع تحقیق و تجویز کرده حکم دهانیدن بدکری دندرج ساخته پیش از دخل دهانیدن زمیندار بر زمینداری از زمیندار مذکور بدهند *

دفعه چهارم

بموجب دفعه هدا احکام قانون چهل و یکم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در باب بيگ قاعده نیار گردیدن هر یک قانون متضمن اجرائی امورات صوبه بنکالا و بهار و اودیسه در اضلاع بنارس نافذ خواهد بود اما برای رفع اشتباه که کدام قانون قابل اجرا و کدام لایق عدم اجراست حکم داده می شود که همیشه قانون قبل تاریخ قانون هذا یا درین تاریخ یا آینده تمامی یا قدری از آن بشهر و اضلاع بنارس جاری نخواهد شد الا اگر در سربامه قانونی از قوانین مذکور یا بدفعه از دفعات آن مذکور این معنی باشد که احکام قانون فلانی جمله یا اندکی از آن در شهر و اضلاع بنارس جاری خواهد گردید نافذ می تواند شد *

مطابق دفعه هذا احکام قانون چهل و یکم در باره بیگترین نیار شدن هر یک قانون متضمن اجرائی امور بنکالا و غیره و حال و استقبال بشهر و اضلاع بنارس جاری نخواهد گردید با اضلاع بنارس جاری خواهد شد *

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

قانون دوم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

قانون درباب تغییر و تبدیل بعض مراتب بند و بست مبعادی و مقرری بنارس واقع بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنگله موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ فعلی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۸۵۲ سنبت مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری *

دفعه اول

ما قبل سنه ۱۷۸۱ عیسوی ریزیدنت صاحب که از جانب کمپنی انگریز بهادر در مقلده بنارس مامور بودند هیچ اختیار بند و بست و تحصیل مالواجب زمینداری بنارس نمیداشت در سنه الیه وقت بحال گردیدن راجه مهیب نزارین امور تحصیل بنایبان راجه موصوف مفروض کشته و نایبان ملکوربن بعنوانی توابع صاحب موصوف گفتند بعد ازان در سنه ۱۷۸۷ عیسوی اختیار بند و بست و تحصیل مالواجب بریزیدنت صاحب تفویض یافته و ندبیراتیکه از ابتدای سنه ۱۱۹۵ فصلی مطابق ماه سپتمبر سنه ۱۷۸۷ عیسوی در باره بند و بست و تحصیل مالواجب بعمل آمده بود بقانون هذا مندرج میگردد *

دفعه دوم

ذکر قبولیت عاملان که در سنه ۱۱۹۵ فصلی نوشته داده بودند *

در هنگام بند و بست سنه ۱۱۹۵ فصلی از عاملانیکه در آن زمان مستاجر بودند را چه مهیب نزارین بمشوره ریزیدنت صاحب قبولیت هائیکه بمضمون جدید گرفته بودند در آن آنها بدینصورت اقرار نوشته داده بودند که ما میان جمعیکه از روی تشخیص اعنی جایداد قبول کرده ایم آنرا معه نذرانه و نصفی برای که از آن سرکار است و رسوم خزانه سوای وجه مجرای و معافی معمولی و خارج جمع که اکثر ازان اراضیات لاخراجی است و کمتر مشاخره و خیرات و یومیه که از خراج سرکار منهای است پیش را چه مهیب نزارین بموجب قسطبندی ادا خواهیم نمود و در آن ایام قسطبندی برای سال تمام می شد و در صورت تحصیل کردن چیزی زیاده از تشخیص اعنی جایداد که بر میان مقرر است و باثبات رسیدن آن سه چند از مقدار زیاده بطریق جرمانه داخل سرکار خواهیم نمود *

ذکر جرمانه که در صورت تحصیل کردن خراج بیجا خواهند داد *

دفعه سوم

ذکر تدبیر اینکه بنظر رفع
قباحت که در تحصیل مال
واجب سرکار راه یافته بود
مقرر گشته *
ذکر نل جریب

ذکر تدبیر جهت اجناس

ذکر اجزای آفرین بنای

ذکر تعیین اصل جریب
ابواب بر اراضیات آبائی

دفعه هشتاد و سه است بر سه دفعه اول اینکه بعد نظر رفع قباحت که در تحصیل
مال واجب سرکار راه یافته بود ریزیدن صاحب بتاریخ بیست و پنجم ماه جون
سنه ۱۷۸۸ عیسوی با راجه موصوف در خواست اینمعی نمودند که یک نغشه پنه
ارنوسر معین ساخته بر عابا و سالکندار بد هانند و در آن پنه نام و طول نل که
از آن اراضی پنهائی جریب خراب شد اندراج یابد و اراضی پنهائی اینکه از ماحصل
آن حصه مقرر شود سرکار در سرکار با آن سیکه اختیار گرفته آن دارد با و برسد و قیمت
حصه سرکار موافق ارز بازار مقرر گردد و رعیتیکه مالک آن اراضی باشد زر نقد
داخل سرکار نماید و در صورتیکه سرکار یا رعایا بنا بر تنقیح بوقت فصل اعنی کن
گرت جریب کناییدن اراضی مالک بود بخواهند بهمان نل جریبش بعمل آید چون
در اثر جاکه خراجش از روی کن گوت داخل سرکار می شد فیما بین رعایا و عاملان
قصیه اینمعی در میان آمده بود که بکدام نرخ قیمت حصه سرکاری منجمله
ماحصل اراضی مقرر خواهد شد لهذا بنام تفری یافته که بهوجب حکم سرکار
در هر برگه هر سال به دو فصل دو مرتبه نرخ اجناس معین شود و اطلاع
اینه مراتب بجمیع رعایا و مالکدار داده آید و نرخ فصل خریف در ماه سالگه
و فصل ربیع در ماه جبهه از روی ارز بازار آنوقت در هر برگه و قسمندایش مقرر
گردد و قسمندایش در صورت قیمت فزونی اجناس و تنزیر قیمتش و تعیین جمع سالانه
اراضی پنهائی تقویر نماید و آینه همانقسم بغزل خراج اول و زر اجناس
مال واجب که بدستصل فصلین مقرر یافته در هر راه بطریق علی المساب موافق
قسط بندی دراصل در اوسط ادامش گرفته خواهد شد و در آن زمان رسم آفرین بنای
یعنی آفرین چمن در وجه حصه سرکار بعد دره بدن و فراغم اوزن و دانیدن
فصل که بردگرفتنش از زمین ممنوع گردید نه مردمان در حصه سرکار تغلب
و تصرف می نه روند بنا بر آن حصه سرکار از روی قرار واقع یافته نمیشد و حکم
شد که در نغشه پنه اراضی پنهائی اینمعی نوشته شود که قیمت اجناس در میان
عاملان و رعایا علی السویه یا چیزی کم و زیاد موافق ضوابط و شرح برگه
مقرر گردد *

دوم اینکه در باب اراضیات پنهائی اعنی زمین ها ئیکه جمعش فی بیکمه معین شده
بود حکم گردید که نام و طول نل جریب اعنی از فلان نل معینه فلان قدر طول
جریب خراب شد در پنه دند چ گردد و ما بعد سنه ۱۷۸۱ عیسوی چند قسم
ابواب و خرجه جدیدی که بعمل آمده بود در پنه حال نوشته شود زیراچه ابواب
و خرجه جدیدی که بعد سنه ۱۱۸۷ فصلی بعمل آمده است از ابتدای سنه ۱۱۹۶
فصلی

فصلی موقوف و مهلوع در صور خراهد شد واصل جمع و ابواب که در سنه ۱۱۸۷ فصلی بحال بود یکجا کرده شود و موافق آن رعایای بیگهه با لمقطع مالکنداری خواهند کرد *

ذکر نرخ اراضی افغانه

هموم اینکه در باب اباد نمودن اراضی افتاده حکم گردیده که رعایا هر آنچه جمع آن قبول نمایند بدون ابواب مقرر گردد *

دفعه چهارم

ذکر حکم که نسبت بعمل آوردن تدبیرات موقوفه الصدر صادر گشته بود

بقره ماه جرای سنه ۱۷۸۸ عیسوی از احکام مذکور الصدر و راجه صاحب که امنا را بنابر بعمل آوردن آن فرستاده بودند قانونگویان را اطلاع داده شده بود و نیز حکم شده که آنها به نقر جمع اراضی نقدی و تنقیح محصولات اراضی بتای مهملر معاون خراهند بود و در عمل راجه چیت سنکه هر جا که نل جریب از سه درعه الهی کم یا زیاده شده بود در باره آن حکم گشته که اینده از همان نل جریب خراهد نشد و در سنه ۱۱۸۷ فصلی هر جا که هیچیک بیگهه بعرض و طول زیاده یا کم از بیست بسوه شده بود دلاخظه کم و زیاد نل و بیگهه اش کرده جمع اراضی نقدی و تعیین حصه اراضی بمائی به فایده جمع اصل و ابواب و ضابطانه که در سنه ۱۱۸۷ مذکور مشور گردیده بود نامعدل حتی الامکان برابر کرده خواهد شد و نمائتسم جمع همه ابواب و حصه در پته ها بیک رقم تقریر خواهد یافت اعنی تفصیل جمع و ابواب و حصه فخر خواهد گردید بموجب احکام تدبیرات موقوف در پته هائی که اراضی جادب راجه موقوف داده بودند مندرج بود لیکن پته هائی موقوف اینقسم صحت نداشتند مطالب تعیین ساختن اراضی مذکور بالکل بمحصل انباشت و در تقریر فرخنده در پته اندراج یافته بود لایظ کم و زیاد نل و بیگهه که که پته ن بصدر موقوف گشته فکوره بودند *

دفعه پنجم

ذکر اینکه عرض و طول یکبک بیگه از رواج جریب سه درعه الهی مقرر است

بموجب حکم موقوفه الصدر بیگهه اراضی به سه درعه الهی مقرر گردیده بود چون بدربافت بر آمده که اکثر عادلان و قانونگویان تصور کرده اند که آنچه کسرات یعنی تفاوت در میان نل سابق و حال در میان آمده بوقت تقریر خراج هر قسم اجناس محسوب خواهد شد در بد صورت بنابر اطلاع اینمعه ری زیدنت صاحب بتاريخ دوازدهم ماه می سنه ۱۷۸۹ عیسوی بشرح هذا اشتها نده داده بودند ولیکه در سنه ۱۱۸۷ فصلی بنابر جریب ان سال مقرر گردیده از ان نل در همان سال هر جا کمی و تفاوت بر آمده انقدر کمی هر یک بیگهه تجویز کرده موافق آن بر اراضی جمعی اعنی قولی که عبارت از نقلی زمین است جمع مقرر خواهد شد و آنچه تفاوت بر اراضی ریح کن کوتی اعنی زمینیکه ما حصل فی بیگهه آن مقرر

یا اندازی محسوب شده از روی تخمین جمعش مقرر گردیده است بر آنکه در باره آن قواعد ذیل مرعی گردد اعنی در هر یک جا ربع کن کوئی بحساب سه من یا چهار من یا بهیچیک حصه دیگر بموجب ربع اعنی نرخ بابت سنه ۱۱۸۷ فصلی بر فصلهای رعایا خواه بر یک قسم فصل خواه اقسام فصل اعنی قسم اول و دوم و سوم کم و زیاد کرده فی بیکه گرفته شود در اینچنین صورت اگر بموجب درخواست رعایا یا عاملان در بستان اراضی آبادی از نل جدید اعنی سه دره الهی جریب شود و در آن چیزی تفاوت براید باید که در باره نقلی زمین آنچه حکم لحاظ کردن است در بستان بعمل آرند اما بر خلاف آن هرگاه امین از جانب عامل یکنس گور و اعنی شخصیکه تجویز اجناس و قیمت و مقدار آن کند و یکنس کماشته قانون کورا همراه گرفته برای کن کوت برود وان گورو و کماشته بدون جریب بنراضی عامل و رعیت اجناس را از نظر تخمین سازند در آنوقت از نل سابق و جدید هر چه تفاوت براید بران لحاظ کردن ضرور و واجب نخواهد گردید چرا که تخمین جمیع ما حاصل بکم و زیاد بیکه علاقه نخواهد گرفت و بجمیع عمه و رعایا و برای حکم شده بود که هر جا که فصل از روی دانه بندی کن کوئی تخمین کرده شود اعنی بغیر جریب زمین بر عمه ما حاصل ان خراج معین گردد بر کسرات نل سابق و حال لحاظ کردن نخواهد شد زیرا که در همچنین حالات خراج سرکار بر مقدار زمین مقرر نخواهد گردید بر همگی ما حاصل ان مقرر خواهد شد و چون بظهور بیوسته که عاملان با رعایا بدینصورت دغا نمودند که در سابق رسن جریب دومور اعنی دو حلقه بکناره هر دو طرف رسن زیاده نموده رسن را کمی کرده اند لهذا بحد نظر رفا هیت رعایا حکم شده که بوقت تنقیح کم و زیاد نل سابق و جدید هر دو حلقه را کشاده تمامی طول رسن سابق و جدید را در حق رعایا گذاشته شود *

ذکر اینکه کدام وقت کسرات نل سابق و حال محسوب خواهد شد *

ذکر کشادن مرز اعنی حلقه

دفعه ششم

احکامیکه بتاریخ بیست و پنجم ماه جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی مندرجه دفعه سوم قانون هذا بحد نظر انتظام سرشته تحصیل صادر گشته انهمه احکام بتاریخ سوم ماه اکتوبر سنه الیه گورنو جنرل منظور فرموده بودند و بلحاظ استحضام سرشته مذکور بریزیدنت صاحب اختیار کلی مفروض گشته بود که صاحب موصوف تمامی بند و بست سنه ۱۱۹۲ فصلی باختیار خود خواهد نمود صاحب موصوف بر طبق آن اصل و ابواب سنه ۱۱۸۷ فصلی از روی کیفیت و تخمین ما حاصل اراضیات سنه مذکور گذرانیده قانون کوپان و همما نفسم کاغذات سنه ۱۱۹۵ فصلی داخل کرده آنها در یافته بند و بست سنه ۱۱۹۲ فصلی کرده نرخ سنه ۱۱۸۷ فصلی برای آینده معین نموده

ذکر بند و بست سنه ۱۱۹۶ فصلی

ذکر جایز ادای که بران
بند و بست گردیده بود

نموده بودند و کاغذاتی که از روی جایزاد هر دو سنه مذکور واضح گشته با دول اعنی
از آن جایزاد سنه ۱۱۹۶ فصلی داخل کرده قانون کویان مقابل کرده از اینقسم دول
ها سه یک که عبارت از دهم حصه است بنظر کفایت عاملان و خرجه سرانجامی
مفصل و بعضی رقم منهای و موقوفی که بنام معافی و صجری مشهور است و
جمله اراضیات ننگار که در هریک برگنه بطریقی مشاهره قانون کویان مقرر است
و نصی سابق برای بابت خرجه ارسالی که عاملان می یافتند منها شده بود
سوی آن ادای بقیه جمله جایزاد مندرجه دول اعنی کاغذ تخمین داخل
کرده قانون کویان بر عاملان لازم آمده بود *

دفعه هفتم

ذکر موقوفی نصی برای
علاقه سرکار و نذرانه و
غیره و سچی معال

بقیه نصی برای مندرجه دفعه صدر که پیشتر در سرکار به عرض و وصول می در آمد
و نذرانه و رسوم خزانه و غیره و سچی معال که عمده را چه صاحب سابق برین
اجاره میدادند در بند و بست سنه ۱۱۹۶ فصلی بالکل موقوف شده بود *

دفعه هشتم

ذکر قبولیت عاملان بابت
سنه ۱۱۹۶ فصلی که به ترتیب
دفعات مرقومه الصدر
نیاز گردیده بود *

دفعه هفده منتهی است بر دو دفعه اول اینکه در سنه ۱۱۹۶ فصلی بوقت بند و
بست حکم شده بود که از عاملان بشرح مجلد قبولیت گرفته شود و دران ذکر
دول تیار کرده قانون کویان و آنچه از ان بابت اراضیات لاجراحی منها شده بود و
نیز برای رعایا نقشه زبته جدید مندرج باشد و عاملان اقرار کرده بودند که شرایط
مندرجه قبولیت را احکام واجب الانتظام بند و بست تصور کرده بعمل خواهیم
آورد و ابوابیکه بعد سنه ۱۱۹۷ فصلی مقرر شده بود از رعایا طلب نخواهیم کرد و
نیز هیچیک ابواب در باب مشاهره قانون کویان یا نصی برای که بموجب دفعه
ششم بنا بر اای خرجه صراحتاً که معرفت آنها خراج داخل میآورد بعاملان داده
شده بود آنرا از رعایا سر شکن اعنی بهری کرده نخواهیم گرفت و این هر دو
رقم اعنی ابواب از مشاهره قانون کویان و نصی برای که حصه سرکار است و از
سرکار واگذاشت شده بود موقوف گردیده شامل جمع در نیامده بود و نیز در
آنوقت حکم شده که مشاهره قانون کویان از تحصیل مالواجب سرکار داده خواهد
شد و حصه برای که صراف می یافت از تشخیص یعنی جایزاد دول نوشته قانون
کویان که بموجب آن بند و بست گردیده بر سهیل منهائی بعاملان داده شده
بود و بر وفق تدبیر هندا بند و بست تمامی زمینداری بدیننوع بعمل آمده که از
جمله پنج حصه زمینداری بند و بست سه حصه برای یکسال و بند و بست دو
حصه برای پنج سال *

ذکر میعاد بند و بست
یکسانه و نچساله *

دوم اینکه بتاريخ دوازدهم ماه فبروري سنه ۱۷۸۹ عيسوي درباره تعيين حق التحصيل يعني رسوم اجاره داران مواضع حکم شده بود که در صورت استعفا نمودن مستاجران از اجاره خود ها قبل از قبضه سال و جبهه بطريقت حق التحصيل خواهند يافت بموجب آن حکم گرديد که جمع سالانه مستاجر يکيه زياده از پنجهزار روپيه سکه نباشد آن مستاجر وجه حق التحصيل نخواهد يافت بلکه آنچه تحصيل کرده باشد جوابده آن پيش مستاجر ثاني که بجايش منصوب و مقرر شود خواهد بود و در صورت معين نشدن مستاجر ثاني جوابده آن پيش عامل خواهد شد و در صورت يکيه جمع سالانه او زياده از پنج هزار روپيه سکه باشد في صد پنجه روپيه رسوم از ده يک عامل خواهد يافت بسبب اينکه بنابر عزل و نصب مستاجر خرج و نقصان عايد حال رعا يا نکورد چرا که در عمل راجه اکثر اوقات بوقت عزل و نصب مستاجر سواي جمع رسوم خودها از رعا يا گرفته بودند *

ذکر اینکه اگر مستاجر قبل مجمل معزول شود حق التحصيل کدام کس خواهد يافت *

دفعه نهم

دفعه هذا مشتمل است بر سه دفعه اول اینکه بتاريخ چهارم ماه جون سنه ۱۷۸۹ عيسوي احکام مندرجه ذيل نسبت به بند و بست مفصل بدینوجه صادر گرديد که عاملان يکيه بانها بند و بست پنجساعه من ابتدای سنه ۱۱۹۶ فصولي شده بود از سنه دوم آن يعني سنه ۱۱۹۷ فصولي بعمل آيد *

ذکر بعض احکام در باب بند و بست مفصل *

دوم اینکه در صورت يکيه زمينداران با مالکان موروثي همپيک مواضع يا اراضي بقيد حیات باشند درينصورت عاملان را بايد که مواضع و اراضي بموجب دول بنابر چهار سال بقيه ميعاد خود ها بانها اجاره دهند بفرقه مستاجر ندهند الا اگر مالکان موروثي موافق دول قانون کويان بند و بست قبول ننمایند و ضامن ندهند مواضع و اراضي انها براي ميعاد مذکور بنقشه پته مقرر بفرقه مستاجر داده شود و دران پته جمله جمع هر بابت که ايش بر عاملان واجب گردد اندراج يا بد سواي آن بهمچوجه ندرانه و ابواب ديگر گرفته نشود *

ذکر به تجديد حال نمودن زمينداران موروثي

سوم اینکه در عمل نواب و زبير الممالک بهادر چند موضع ايمه ضبط شده بود و مالکان ان مواضع چند کس بعوض آن تنخواه نقلي و مشاھره يافته بودند من بعد در همان عمل از جمله عوض يافتگان مشاھره يککس موقوف گرديده بود نظر بر تمادي ايام بيدخلي ايمه داران چنان تقرر يافت که اگر احدي را ايمه داران مذکورين دعوي بحالي اراضي خود بل ريعه عطاي سابق نمايد مسموم نخواهد شد *

ذکر حال نشدن ايمه داران بيدخلي *

دفعه دهم

ذکر اینکه بکدام تدبیرات
بند و بست مقرر کرده
شود *

بند و بستیکه در سنه ۱۱۹۶ فصلی برای یکسال و پنج سال بعمل آمده بود بتاریخ
هفدهم ماه جون سنه ۱۷۸۹ عیسوی گورنر جنرال انرا منظور فرموده بهمان ایام
ریزیدنت صاحب حکم داده بودند که درباره بند و بست چنان سعی و کوشش
بکار برند که آنچه در سرشته مقرره بند و بست صوبه بهار بعمل آمده بهمان
وتیره بند و بست بنارس کرده شود از آنجا که مطلب از بند و بست مذکور این بود
که جمع سرکار مشخص و معین شود که جمع مردمان و رعایا ماورای جمع
سرکار علی الدوام نتایج سعادت خودها حاصل می نموده باشند لیکن تدبیراتی که
در تقرر بند و بست بنارس بعمل آمده بود ظاهراً مستوجب نيل مقاصد مرقومه
الصدر نه بود و انهمه خراج سرکار که ذمه رعایا و کتکنه داران واجب الادا بود با
وجود آبادی از نقشه حال در آن خراج کمی و بیشی رو میداد و چون تخمین
فصل ربیع یعنی فصل دوم پیش از پشتگی اجناس نمی تواند شد لهذا عاملان
تا رسیدن ایام تخمین ما حصل تمامی سال که در انوقت زمینداران و مستاجران
برای سالتمام قبولیت میدادند نه از کتکنه داران چنان خود ها خواه زمینداران
بدند خواه مستاجران مواضع علی الحساب تحصیل خراج می نمودند و از
اینقسم تحصیل خیلی قضیه و فساد بوقوع می آمد و هرگاه عاملان پنداشتند که
کتکنه داران خراج واجبی دادن نمی خواهند پس برای واگذاشت کرده گرفتن
مسائلات علاقه کتکنه داران و دادن کتکنه بدیگری یا بخاص تحصیل در آوردن
خود ها اراده میدمودند درینصورت خللی در ابانی می افتاد و در میان عاملان
و کسانیکه اجاره داشتن مواضع می خواستند همواره قضا یا میماند بعد نظر روح
این خلش مناسب بود که بمنظور سرکار بند و بست هر یک تعلقه و مواضع
علیه عمل کرده بعمل آید که زر خراج داخل سرکار گردد *

ذکر بوقوع آمدن قضا یا
در میان عاملان و کتکنه
داران مواضع در عمل
سرشته سابق *

دفعه یازدهم

ذکر تدبیرات بکار بردن
در باب بند و بست مفصل
چهار ساله و ده ساله

بهجرد ورود احکام گورنر جنرال واقع بتاریخ هفدهم ماه جون سنه ۱۷۸۹ عیسوی
ریزیدنت صاحب حکم داده بودند که عاملان و قانونگویان بند و بست مفصل
نمایند و نیز ازین معنی گاه باشند که ملاحظه و منظوری بند و بست مذکور بامس
ریزیدنت تعلق دارد زیرا چه تقرر یافته بود که هرگاه ربیع یعنی فصل ثانی کاشته
شود جایز است خراج هر یک موضع که از زمینداران و مستاجران واجب السلب گردد
تخمین نموده جائیکه با عاملان بند و بست پنج سال بعمل آمده باشد برای چهار
سال باقی آن موافق تخمین مذکور خراج مقرر خواهد شد و مطلب از تحقیق

و تشخیص جایداد هر رکنه این بود که بعد منظره بند و بست متصل بابت چهار سال من ابتدای سنه ۱۱۹۷ فصلی میعاش تا ده سال الحال ماند و بیشتر جائیکه برای یکسال بند و بست شده بود الحال در اینجا برای ده سال مقرر گردد و بزرگداشت صاحب معین نمودند که اینهمه تدبیر نسبت به بند و بست تدقیح و تشخیص جایداد با اهتمام خود بعمل آرند بصورتیکه بند و بست صوبه بهار از روی حکم سرکار بعمل آمده بود هرگاه ازینهمه مراتب بگورنر جنرال اطلاع داده شده معزایه مقرر فرمودند که بند و بست زمینداری بنارس موافق احکامیکه بتاریخ بیستم ماه می و هیجدهم ماه ستمبر سنه ۱۷۸۹ عیسوی در باره بند و بست صوبه بهار نافذ گردیده بود تا ده سال مقرر خواهد گردید *

دفعه دوازدهم

از آنجا که تردید احکام مندرجه دفعه صدر ضرور افتاد چرا که راجه مهیپ ناراین در وقت بند و بست اقبال سال کردن زمینداران مواضع که اشرفی بعمل راجه بلونت سنکه و چیت سنکه از زمینداری خود ها بیدخل شده بطور مزایعان اوقات خود بسر می بردند نکرده بودند درینصورت نتایجیکه از تقرر بند و بست ده ساله نسبت بجمع ماکان زمین که قبیل از غره ماه جولای سنه ۱۷۷۵ عیسوی مطابق سنه ۱۱۸۲ فصلی اعنی در آمدن بنارس محوزه اقتدار کمپنی انگریز بهادر بیدخل شده بودند عاید حال می تواند شد بحصول نمی انجامید اما بعدان که قبول نموده بودند حقیقت ان بقانون اول سنه ۱۷۹۵ عیسوی اندراج یافته است *

ذکر تردید احکام در باب زمینداران مواضع که قبل از سنه ۱۷۷۵ عیسوی مطابق سنه ۱۱۸۲ بیدخل شده بودند

دفعه سیزدهم

برای انصرا م بند و بست مقرر و بزرگداشت صاحب و صاحبان اسستنته بمه تونرو سنه ۱۷۸۹ عیسوی بجهاز سرکار متعلقه بنارس علیحدده علیحدده گشت مینمودند و از آنجا آنها همین بوده است که بند و بستیکه عاملان و قانونگویان از روی اصل جمع و ابواب بابت ۱۱۸۷ فصلی نموده اند انرا تحقیق و تجویز نمایند و آنچه سهو و قصور به نسبت بعض کسان بعدم تصور آنها را از زمینداران بموجب دفعه دوازدهم و نیز آنچه بی اعتنای و فراسوشی به تعیین اصل جمع در هیچیک مجال بوقوع آمده باشد بتصحیح آن پردازند و در باب تعیین جمع مل کوز بلینوجه حکم بوده خواه در بند و بست چهار ساله خواه ده ساله بموجب جایداد و شکل کار هر یکموضع کماینی واریسیده قسمی نقشه بند و بست مقرر خواهند نمود که جمعیکه مقرر گردد زمینداران و مستلجران بموجب نرخ سنه ۱۱۸۷ فصلی ایش تواند کرد و جائیمه اراسیات بسیار نیز و افتاده باشد در پته آن برای اوایل چند سال رسدی خفیف

ذکر حکمیکه درباره تقرر بند و بست مقرر اجرا یافته بود

خفیف مقرر خواهد شد و آن رسد بعلت آباد نمودن مستاجر از میان کنایت آن بطریق حق سرکار متصور خواهد شد علاوه آن حکم بود که نکس بر تمامی مسکرات و دوکانداران و بیوپاریان و تاننریان و حایکان بنام ابکاری و کهردواری و کهرگی از تحصیل مستاجران خارج خواهد شد و در هر ضلع از آنهمه نکس آنچه بحال باشد زر آن معرفت عاملان بمعرض وصول خواهد آمد و چیزیکه بحال نباشد گرفته نخواهد شد *

ذکر خاص کردن ابکاری و کهردواری و کهرگی *

دفعه چهاردهم

دفعه هذا مشتمل است برده دفعه اول اینکه بموجب تدبیر مرقومه الصدر از روی کیفیت تشخیص بابت ده سال گذشته و دیگر حساب و کرایف جاهاکه معرفت قانونگویان و بوجه دیگر میسر می تواند شد بند و بست مفصل برای چهار سال و ده سال مقرر گردیده بود و بر پته های بند و بست چهار ساله مهر عاملان ثبت شده و نیز ریزیدنت صاحب با استنته صاحب بزبان و خط انگریزی بران لمبرو دستخط نموده بودند و بر پته های بند و بست ده ساله راجه صاحب و ریزیدنت صاحب هر دو کس دستخط نموده بودند و در قبولیتیکه زمینداران مواضع و مستاجران بوقت بند و بست ده ساله داخل کرده بودند در ان اقرار اینمعنی بود که دفعات مرقومه الذیل بعمل خواهند آورد *

ذکر دادن کاغذات بند و بست و دستخط کردن بران *

ذکر قبولیت مالکداران بوقت مقرر بند و بست

ذکر لایق فروش متصور شدن اراضی و اشیای بسبب باقی *

دوم اینکه خراج سالانه بوقت از ابتدای ماه کوار مطابق ماه اکتوبر لغایت ماه جیتیه موافق ماه جون در هر سال ادا خواهند نمود و در صورت عدم ادای آن اشیای منقوله و غیر منقوله بقدر باقی بفروش در آورده سمیل باقی کرده خواهد شد *

ذکر حکمیکه درباره اراضیات لاخراجی صدور گشنه بود *

سوم اینکه در صورتیکه کسی هیچیک اراضی معافی و صحرائی و کشاپن و غیره بدون خراج لغایت اخیری سنه ۱۱۹۵ فصلی متصرف گردیده باشد آن اراضی بلا ایماهی سرکار باز یافت نخواهند کرد و اگر سرکار هیچیک اراضی لاخراجی باز یافت نمایند جمعیکه بران مقرر گردد آن جمع را سواهی قراری جمع خود ها قبول خواهند کرد و نیز درخواست هیچیک عطیه مجدد بطریق لاخراج نکنند و اگر خواهند کرد اراضی مذکوره ضبط سرکار خواهد شد و هر قدر جمع بران لازم آید دو چنل آن از مرهوب له برای ایامیکه تصرف کرده باشد گرفته خواهد شد *

ذکر شرایط تحصیل خراج

چهارم اینکه بموجب حکمنامه یعنی قانون که بتاریخ بیست و پنجم ماه جون و غره ماه جولای سنه ۱۷۸۸ عیسوی اصدار یافته بود و بدفعه سوم و چهارم قانون هذا مذکور آن شده از رعایا خراج تحصیل خواهند نمود *

<p>پنجم اینکه رعایا را داخلی خراج قسط بقسط خواهند داد و در صورت ندادن داخلی اگر آن رعیت بالیات رساند که او داخلی زر قسط نیافته است پس داخلی هر قدر خراج که نیافته باشد در چند آن بطریق جرمانه از مستاجر گرفته برعایا داده خواهد شد *</p>	<p>ذکر دادن داخلی برعایا *</p>
<p>ششم اینکه در انصرام امورات متعلقه عهد قانونگویان مهمل و معاون خواهند بود *</p>	<p>ذکر مهمل بودن قانونگویان</p>
<p>هفتم اینکه هیچیک وجه سایررات که موقوف و ممنوع گردیده است و نیز گهردواری اعنی خانه شماری و آبکاری این هر دو قسم سایر بموجب دفعه سیزدهم بوقت بند و بست از جمع خارج گردیده ذمه عاملان سرکار شده بود تحصیل نخواهند کرد و در صورت انحراف ازین معنی هر قدر تحصیل خواهند نمود سه چندان بطریق جرمانه معین خواهد شد *</p>	<p>ذکر امتناع تحصیل سایررات و نکس بابت آبکاری وغیره *</p>
<p>هشتم اینکه زمینداران و مستاجران از وقوع قضیه و فساد در سرحدات خود ها پیش عامل جوابده خواهند شد و دزدان و شیخونیان را پناه نخواهند داد و آنها را گرفتار ساخته برای تجویز حوائج خواهند کرد و آنچه مال و اموال در سرحد آنها بغارت رود انرا پیدا خواهند ساخت والا قیمت آنرا نشان خواهند نمود *</p>	<p>ذکر جوابدهی مستاجران درباره نزدی وغیره *</p>
<p>نهم اینکه کسانیکه در مقدمه زد و کوب و قضیه یا خون یا دزدی یا دیگر بد فعلی و خانه جنگی گرفتار شوند رویداد آن تیار کرده بدستخط خود معه بد فعلان ملکورین برای تجویز خواهند فرستاد *</p>	<p>ذکر اترار نسبت بخانه جنگی و زد و کوب وغیره *</p>
<p>دهم اینکه هر طلب چتهمی و حکمی که از سرکار ورود یابد آنرا بعمل خواهند آورد و در صورت بعمل نیارودن آن قسمیکه درباره متهمین حکم است مال آنها ضبط خواهد شد *</p>	<p>ذکر اترار نسبت بعمل آوردن احکام سرکار *</p>

دفعه پانزدهم

<p>دفعه هدا مشتمل است بر سه دفعه اول اینکه نیز در ایام اتمام بند و بست مقرری با عاملان اترار مجلد شده بود بموجب آن خدمات حاکمی و تحصیلداری مانواجب سرکار از زمینداران مراعات و مستاجران از روی پته آنها بابت سرحدات عملداری هر واحد آنها تفویض یافته و برای بروقت انجام نمودن خراج جوابده شده بودند و نیز اقرار این معنی بود که مهمل نظر منفعت خود چیزی بیش از پته نخواهند گرفت و از مالکان زمین و مستاجران شرایط مندرجه دفعه چهاردهم را عمل خواهند کنانید و از زمینداران مواضع موافق قانون مصدوره بیست و پنجم ماه جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی برعایا پته خواهند دهانید و نیز عاملان زمین وغیره و پته دهانید</p>	<p>ذکر تفویض عهد حاکمی و تحصیلداری با عاملان *</p>
<p>ملکور</p>	<p>ذکر تحصیل نمودن خراج بموجب بند و بست و زیاده نگرفتن از آن ذکر اقرار کردن با مالکان زمین وغیره و پته دهانیدن</p>

مذکور را اختیار داده بودند که اگر بملاحظه احوال هیچیک معلوم شود که در صورتیکه بموجب نرع سنه ۱۱۸۷ فصلی از رعایا خراج گرفته شود بر آنها کمران خواهند بود پس باید که در نرع مذکور تخفیف سازند یا درباره تخفیف آن بدیگران پروانگی دهند. اما امتناع است که بعیله از نرع مذکور افزایش نماند و هر قدر زر داخل خزانه سرکار شود داخلی آن بمالکدار دهند و اگر نخواهند داد یا بدان آن تغافل خواهند نمود ریزیدنت صاحب هر چه مناسب داخل جریمانه خواهند نمود و نیز حکم بود که وجه طلبانه بشرح برگته هر چه از باقیداران گرفتن واجب بود بر آنها مقرر خواهند نمود و هر چه بوصول در آید داخل سرکار نمایند و از تحصیل هر قسم محصرات سایر و کنجیات دست بردار شوند و در صورت تحصیل آن بر خلاف حکم بعنوانیکه بر زمینداران مواضع و مستاجران در اینچنین حالات از روی دفعه هفتم ضمن دفعه چهاردهم جریمانه لازم می آید بر آنها نیز لازم خواهد آمد و نیز قسمیکه زمینداران و مستاجران بموجب دفعه هشتم ضمن دفعه چهاردهم جوابده هنگامه و غیره بودند همانقسم الا آنها بعدم وقوع هنگامه و دزدی و شیخونی در حدود متعلقه خود در سرکار جوابده شوند من بعد آنها را اختیار خواهد بود که بر مالکان زمین و مستاجرانیکه در سرحد آنها اینقسم اذمال ذمیمه بوقوع آید دعوی تاوان خود لها نمایند *

از زمینداران برعایا *
ذکر اختیار تخفیف نرع
خراج بابت سنه ۱۱۸۷ فصلی
وزیاده نکردن از آن *
ذکر دادن داخلی خزانه

ذکر طلبانه *

ذکر عدم گرفتن محصرات
سایر و کنجیات *

ذکر جوابده هی عاملان
درباره دزدی و غیره *

ذکر گرفتار ساختن هنگامه
بر دازان *

دوم اینکه برای انصرام امور فوجداری بر عاملان حکم بود که جمیع هنگامه پودازان را بگیرند در آورده معه کیفیت ضروری و وجه اثبات آن بجهت تجویز خواهند فرستاد و آنچه مقدمه بابت خراج که زمینداران و مستاجران و رعایا نزد آنها رجوع نمایند تجویز و انفصال آن بموجب احکام مصدوره بیست و پنجم ماده جون سنه ۱۷۸۸ عیسوی بانفاق قانون کویان خواهند نمود لیکن چه مدعی وجه مدعی علیه مقدمه مذکور را بیش ریزیدنت صاحب اپیل می تواند نمود و اختیار بود که بنراضی متخاصمین مقدمات قومیت و تزویج و نکاح و حصه اراضیات و قرضه بثلثان تسلیم خواهند نمود و در صورتیکه متخاصمین پیش ثلثان رجوع شدن نخواهند پس عاملان اجازت خواهند داد که مقدمات خود لها را در ملکی دیوانی عدالت یا عدالت دیوانی شهر بنارس رجوع سازند و بر عاملان حکم شده و آنها اقبال ایند معنی نموده بودند که آنچه دگری یا حکم از عدالتهای مذکور یا هیچ یکی از عدالتهای دیگر یا از راجه صاحب یا ریزیدنت صاحب اصدا خواهد یافت فی الفور آنرا بعمل خواهند آورد والا از امره متعلقه خود معزول خواهند شد *

ذکر استرداد اراضیات
خریده عاملان *

سوم اینکه من بعد بدریافت در آمده که دفعات عاملان بمقتضای اختیاریکه بانها تفویض یافته بود بر سهیل اخذ اراضیات خراجی باقیداران بنام خود لها یا اترابی

خودها نویسانیده گرفته اند درینصورت خراج سرکاری قدری یا تمام و کمال انجام شده بود لهذا بتاریخ نوزدهم ماه ستمبر سنه ۱۷۹۴ عیسوی حکم حضورشرف نشاند یافته که ایننده اراضیاتیکه بنام آنها یا اقرای آنها نوشته خواهد شد باطل و نامنظور خواهد گردید و باز بتاریخ سی و یکم ماه اکتوبر بر سنه الیه حکمی بدینصورت عزورود یافت که کسانیکه اراضیات خودها بطریق مذکور بیع نموده یاداده با آنها و وارثان آنها و به پتی داران اختیار داده میشوند که از تاریخ انتقال اراضیات مذکور دربارۀ استخلاص آن در میان عرصه بیج سال بعدالت دیوانی نالش می توانند نمود و اگر بعاملیکه خریدۀ بود یا وارث او زر ثمن را سه سود که بر سود نماید مسترد سازد پس آنچه نوشته خوانند بیع و غیره باطل و خود بران قابض و متصرف خواهد شد *

دفعۀ شانزدهم

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه غیر از رفع مناقشه اراضیات در بند و بست مقرری امری دیگر دشوار تر نبود چرا که در اکثر جائیهامین پتی داران اعنی شرکای یک موضوع بابت شراکت حصه آنها مناقشه میکردید و اکثر اوقات سواي شرکا بعض کسان برای یکموضوع خصومت می نمودند در اینچنین حالات زمیندارانی را که دران زمان یا بعد در آمدن بنارس بحوزه اقتدار کمپنی سنه ۱۷۹۵ عیسوی بحال بودند بحال داشته شده بود و کسانیکه بموجب حکم هذا خود را قابل بحال پنداشتند آنها در ملکی دیوانی عدالت نالش کردن می توانستند و زمیندارانیکه ماقبل سنه مذکور پیداخل شده بودند کورنر جنرل دربارۀ آنها بتاریخ یازدهم ماه اپریل سنه ۱۷۸۸ عیسوی حکم دادند که آنها بحال نخواهند شد زیراچه راجه صاحب در باب بحالی آنها عذرها می نمودند بعدان قسمیکه از عذرهای مذکور باز آمده اند ذکران بدفعه دوازدهم واقع چون در اثنای تقرر بند و بست گاه گاه ضرور می افتد که بدون تجویز کمال دربارۀ اینقسم مناقشه حکم داده شود لهذا بمختصاصمین اطلاع داده شده بود که مطلب از پته مجدد محض تعیین اراضی است نه ذریعه مزاحمت و ممانعت دعوی مالکیت درینصورت قسمیکه بعدم دادن پته نالش کردن می توانستند بعد دادن پته نیز همانقسم نالش می توانند نمود و همانطور بصاحبعدالت حکم شده بود و از جمیع پته داران چه زمینداران و چه مستاجران سواي قبولیت اقرار علیحدۀ گرفته شده بود بدینوجه که در باب اینقسم مقدمات هرگاه صاحبعدالت یا صاحبان کورنر اپیل طلب نمایند فی الفور رجوع گردیدۀ باوامر و نواهی شان خواهند پرداخت و عاملان را ممانعت اینمعنی گردید که سواي احکامیکه از عدالتهای مذکور بموجب پته لازم خواهد آمد در آن پته چیزی

ذکر تحقیق کردن استحقاق
زمینداران و غیره مرقومۀ
المتن *

ذکر بند و بست حصه
واری که با زمینداران و
مستاجران و در خاص
شده بود *

ذکر رفع حساب زمینداریکه
در حال بعال شود و
مستاجریکه معزول گردد

چیزی تجاوز و تفاوت نمایند و تقریر بند و بست بدیننوع شده بود که منجمله
دوازده حصه زمینداری بند و بست هشت حصه با زمیندار و سه حصه با مستاجر
و یک حصه بطریق امانی داشته شده ازین صحر که زمینداران و مستاجران
باقابل آن یک حصه انکار نموده بودند لهذا خود عاملان از رعایا خراج آن
تحصیل می نمودند *

دوم اینکه چون برای تعمیم تدبیر بند و بست چهار ساله و ده ساله چند کس
مستاجر مواضع معزول شده زمینداران ذی حق بعال گشته بودند لهذا بتاریخ
بیست و یکم ماه فروردی سنه ۱۷۹۰ عیسوی سمیلی در باب رفع قضیه و اصلاحات سالیکه
آنها دران بعال بودند فیما بین زمینداران و مستاجران معین گردیده بود و نیز
حکم بود که مستاجران هرچه تفاوتی برعایا داده باشند در صورت ثبوت آن از
زمیندار خواهند یافت و آنچه زر خراج تحصیل نموده باشند بالای آن فی صد سه
رویه بطریق رسوم خواهند یافت خواه محال متعلقه اش کلان باشد خواه خورد
و این همه اخراجات زمیندار منصوب از نزد خود خواهد داد از رعایای خود
گرفتن نخواهد توانست لیکن زر تفاوتیکه رعایا از مستاجر معزول گرفته باشند آنرا
زمیندار منصوب از رعایا وصول می تواند کرد و در صورتیکه مستاجر تفاوتی نداده
به بهانه تفاوتی تمسک بقایا باقی بنام تفاوتی گرفته باشد آنرا از زمیندار منصوب
نخواهد یافت و نالش آن در عدالت کردن نخواهد توانست *

دفعه هفدهم

ذکر تبیین زمینداری
بموجب بند و بست
مقرری و اینکه چه قسم
پتی دارانند چقدر فرق
در میان زمینداران و
پتی داران واقع است *

دفعه هفدهم مشتمل است بر نه دفعه اول اینکه اکثر مالکان در بنارس زمینداران
مواضع اند که خود معه یکیک کس یا زیاده پتی دارانی شریک که قرابتش از طرف
ابا واجداد او راجع باشد زر شخصی بسرکار داخل مینمایند ازینقسم پتی داران
حصه چند کس علیحدت گردیده و بسیاری شامل مشترک یا سرگروه یا اتربیای
بزرگ خود مانده اند و بدستور نام آنها در بته و قبولیت و دیگر کاغذات بسبب
سرگروهی یا معتبری نوشته می شود چنانچه برضا و رغبت اکثر پتی داران خورد
دستور هذا در بند و بست ملکور بحال داشته شده و هرگاه احدی از پتی داران
بعلت شامل بودن حصه داران دیگر چیزی نقصان خود تصور نماید یا نخواهد
که حصه خود را از حصه داران دیگر علیحدت سازد اختیار است که بجهت تقسیم
ملکیت خود از عمرکا بعالت دیوانی نالش نماید و در صورت اینقسم نالش می تواند
که حصه ملکیت سرورثی خود را جدا سازد و بنابران پتی دیگر حاصل نماید و
هر قدر جمع که بر تمامی حصه ها باشد آنرا نمیدانند بموجب رسد تقسیم کرده
شود که بر احدی خساره کمی و بهی نه اتند و تا تقسیم حصه نام کسیکه در پته

ذکر مقرر شدن سربراه کاران در برگه کونده

سرکار مندرج باشد انکس جوابده تمامی جمع که معرفت عامل سرکار داخل می نمود خواهد بود اما دستور هذا سرای برگه کونده در جمیع برگات بنارس مروج است و دران برگه بند و بست ده سانه صرف بدین وجه انصرام شدن می تواند که بزمینداران اجازت است که قبولیت بدهند و مابین خود ها اترار اینمعنی نمایند که چندکس را از جانب خود ها بطریق سربراه کار مقرر سازند و تدبیر هذا بدین شرط منظور گردیده که بعلمت مقرر سربراه کاران از بازپرسی که بر دیگر زمینداران لازم می آید رهایی نخواهد یافت و نیز آنها را اختیار خواهد بود که هرگاه حساب سربراه کاران رفع نمایند باقی آنها آنچه بر آید بانها بیماق داده معزول کنند *

ذکر بند و بست تعلقه اری بنارس *

دوم اینکه اکثر تعلقه داران در چهار سرکار زمینداری بنارس اند که بتابع خود ها بعض قلیل و بعض کثیر زمینداران مواضع میدارند و آنها تا حال به بیع و هبه ملکیت خود ها مختار اند و جمع مقرری خود ها بتعلقه داران مذکورین میسرسانند و شرایط مندرجه دفعه نهم ضمن دفعه سی و پنجم قانون بیست و دوم سنه ۱۷۹۵ عیسوی بر آنها لازم می آید و بند و بست با اینقسم تعلقه دار قسمیکه با زمینداران بعمل آمده و بانها اختیار داده شده که بر زمینداران مواضع تعلقه خودخواه بمقابله صدر جمع خود معه چیزی بیشی برای اخراجات سرانجامی خواه بلحاظ ما حاصل علاقه اش بمد نظر رواج انجا خواه آنچه مابین آنها رفع شود جمع مقرر خواهند نمود *

ذکر مخصوص کیفیت بند و بست برگه اکوری بدهر *

سوم اینکه بند و بست برگه اکوری بدهر متعلقه سرکار چنار بتفاوت چند مراتب از بند و بست دیگر برگات بعمل آمده بود ماقبل بیدخل ساختن راجه بلونت سنکه زمینداران را برگه مذکور بتحت راجه دیگر بود چون ورثه راجه مذکور در سنه ۱۷۸۱ عیسوی حاضر آمده معاونت سرکار نموده بودند لهذا حکم شده بود که راجه عادل شاه را که رئیس آنها است بحال کرده شود بعد از ان ملحوظ گشت که حکم مذکور بر خلاف بند و بست راجه مهیب ناراین است درینصورت بتاریخ یازدهم ماه اپریل سنه ۱۷۸۸ عیسوی حکم دیگر ورود یافت که راجه عادل شاه مذکور تلحین حیات خود بحال خواهد بود و تلحین حیاتش مفصل بند و بست برگه باستر ضایش بهمهر او دستخط ریزیدنت صاحب با تعلقه داران و زمینداران که اکثر از کفا و الوام راجه مذکور بودند و با برتیمان اعنی کسانیکه بانها ابا واجداد راجه مذکور اراضیات عطا نموده بودند و بگروان یعنی کسانیکه بانها خود راجه یا در سلف بزرگان راجه اراضیات رهن گذاشته بودند بعمل آمده بود حقوق اینقسم مردمان بطریق مقرری متصور گردیده نام آنها در کواغذ بند و بست یکجا

یکجا شامل زمینداران مندرج شده و بقیه محال پرگنه مزبور موافق بند و بست چهار سرکار بدیگر مستاجران اجاره داده شده بعد آن راجه عادل شاه فوتید و سرکار برضامندی راجه مهیب نزارین دربارهٔ مداخلت پرگنه مذکور بوارثان متوفی موقوف اجازت دادند اما بوقت مقرری بند و بست پرگنه مذکور آنها را بطریق دیگر عاملان و تحصیلداران امتناع گردیده که در آن هیچ تغیر و تبدیلی نمایند *

ذکر مخصوص کیفیت بند و بست پرگنه بلیا سرکاری غازی پور *

چهارم اینکه کیفیت بند و بست پرگنه بلیا متعلقهٔ سرکار غازی پور بشرح ذیل با پرگنه آگوری بدهر مطابقت دارد که به بیدخل شدن راجهٔ آن پرگنه از حکم راجه بلونت سنکه باوجود اراده نمودن سرکار به بحالی بوابی لادیو که سرکاره آنها است مومی الیه بحال نگردیده در آن پرگنه بود و باش می نمود و مشاھره از سرکار می یافت و بند و بست آن باکفای او و اکفای راجه سابق بلیا که استحقاق بحالی خود ها در املاک بائیمات رسانیده بود بعمل آمده و جائیکه اینقسم دعوی استحقاق در پیش نگردیده و حقیقت آنها بائیمات نرسیده بند و بست انجا بامقدم یعنی سردار رعیت مواضع که در انجا سکونت دارد و از قدیم الایام مالکداری می نماید بعمل آمده بود و بیش نهاد خاطر این بود که حق مقدمان لایق بحالی دوام باشد و شرایطیکه بر زمینداران واجب است بر آنها لازم آید و جائیکه احدی از اکفای راجگان مذکورین و مقدم نموده بند و بست انجا با مستاجران بعمل آمده بود و جائیکه مستاجر اقبال بند و بست نه نموده ان محال را بطور امانی داشته شده بود *

ذکر مخصوص کیفیت بند و بست قسمت تعلقه مجیوا *

پنجم اینکه تعلقه قسمت مجیوا رگنه قصوه سرکار بنارس که متعلقه زمینداران است به پهلوان سنکه که رئیس تعلقه دار انجاست و از طرف سرکار عهدی عاملی اعنی تحصیلداری میداشت و نیز باقربای او اجاره داده شده بود و پهلوان سنکه بر اسناد اتوبای خود مهر نموده و ریزیدنت صاحب و استنته صاحبان بران دستخط منظوری نموده بودند و بعنوانیکه بدفعه سوم ضمن دفعهٔ هذا وارثان عادل شاه راجه پرگنه آگوری بدهر را امتناع است که بدون اجازت سرکار هیچ نوع تغیر و تبدیلی در بند و بست نخواهند کرد همان امتناع براین لازم خواهد آمد *

ذکر مخصوص کیفیت بند و بست تعلقه کرنا داندی *

ششم اینکه در بند و بست کرنا داندی واقعه پرگنه قصوه اعنی گنکاروراز مکانات دیگر همینقدر تفاوت در میان آمده که بعد از بند و بست آن راجه مهیب نزارین ظاهر نمودند که باکسانیکه بند و بست بعمل آمده آنها را ریزیدنت صاحب پته نخواهند داد بسبب اینکه تعلقه مذکور شامل کنکا پور زمینداری مظهر است لهذا بماه اکتوبر سنه ۱۷۹۴ عیسوی پاسخاطر و عذر راجه صاحب با ریزیدنت صاحب

چنین تقرر یافته که مالکداران تعلقه کرنا تانندی ملک کور بعوض قبولیت پته از سرکار نخواهند یافت لیکن مظهر اعنی راجه صاحب بدون اجازت اهل کار سرکار آنها را معزول کردن نخواهند توانست الا در تحقیق و تجویز از دیگر اراضیات راجه همیدندر تفاوت خواهد بود که بعنوانیکه مقدمات دیگر مالکدار تجویز خواهد شد جمله اینقسم مقدمات تجویز و انفصال خواهد شد تفصیل اراضیات موروثی راجه اینکه جاگیر بهدوئی گیرا منکرور قسمت برگنه قصه یعنی کنکا پور معه تعلقه کرونه بسبب استعدار راجه موروثی بند و بست مفصلی آن از سرکار نگردیده و طریق رفع قضایا که فیما بین راجه و مالکدار مقرر شده بقانون پانزدهم سنه ۱۷۹۵ عیسوی مندرج است *

ذکر مخصوص کیفیت بند و بست برگنه لکهنیسر

هفتم اینکه ساکنان برگنه لکهنیسر واقع سرکار غازی پور قوم راج پوت اند که باهم سینکر معروف آنها قلیلی خراج سواری آن مشاخره تحصیلدار در میان خودها رفع نموده کم و زیاد مطابق حصه واری با خودها نشست ساخته بتحصیلدار سرکار که بر آنها مقرر است میدهند و چون قبل ازین حاکمان ملکی و سرکار انگریز هرگز بند و بست مفصلی برگنه مذکور نکرده بودند لهذا بند و بست آن بوقت بند و بست چهار سائ و ده سائ شامل دیگر محلات نه آمده بود *

ذکر مخصوص کیفیت پیشکشی محلات سرکار جون پور *

هشتم اینکه در برگنه خاص جون پور و قسمتهای آن سرکار که بخشیات می نامند اکثر مواضع است که مسلمانان بصیغه التمعا و مدد معاش و جاگیر خراه از عطیات پادشاهی میدارند خراه از ناظمان صوبه اوده یافته اند و بران در عمل حاکمان ملکی چیزی پیشکش بطریق خراج مقرر شده بود درینصورت اسناد پیشکشی آنها بوقت مقرر بند و بست بحال داشته شده بود *

ذکر مخصوص کیفیت سنکرولی *

نهم اینکه انسمت ملک سنکرولی واقع طرف جنوب دریای سون تادریای خورد بلیا بتحت زمینداری بنارس است و دیگر حصه انملک که عبور دریای خورد بلیا واقع است بتحت راجه برده است که او از بنارس تعلق نمیدارد خودش مالک انجاست *

دفعه شانزدهم

بند و بست بابت نمک پیدایشی بعض محلات سرکار جون پور شامل جمع اراضیات در آمده و بعض جا علیحدہ علیحدہ شده بود *

ذکر بند و بست نمک محال *

دفعه نوزدهم

بمشاهده و دریافت اوضاع و اطوار زمیندارانی که آنها را در حال بحال کرده شد چنان بخاطر گذشت که آنها را برای چندی به اتباع عاملان سرکار که در امور پولیس و مالواجب سرکار مقرر اند داشته بود لیکن بهاس جفاطت زمینداران از ظلم

ذکر تدبیر بجهت حضوری کردن پته داران در صورت ظلم کردن عاملان بر آنها *

از ظلم عاملان سوای جریمانه که بدفعه دوم تحریر یافته حکم بود که کسانی که از سرکار پته داشته باشند آنها را اختیار است که در صورت باثبات رسانیدن ظلم عاملان زر مالگذاری ذمه خود ها بحضور رسانند بعد از این تحصیل مال واجب ذمه آنها به هیچوجه از عاملان علاقه نخواهد داشت *

دفعه بیستم

ذکر منظور شدن بند و بست در سرکار و بحال دانندن آن تاحیات پته داران و موقوف شدن تکس کهرکی

بند و بست مرقومه الصدر بتاریخ یازدهم ماه فیروزی سنه ۱۷۹۱ عیسوی منظور حضور شده و بموجب حکم گورنر جنرل میعاد پته داران تا حیات آنها مقرر گردیده اما نکس از جمله کهر دوازی اعنی خانه شماری از اهل حرقه مثل تا نینان و حایکان مندرجه دفعه سیزدهم که بنام کهرکی گرفته می شد موقوف شده بود *

دفعه بیست و یکم

ذکر بحال بودن رسم اکور بتای بابت برهمنان وایتان

از آنجا که بعض برهمنان وایتان در عرض زر خراج ذمه خود ها بصیغه اکور بتائی میدادند لیکن چون موقوف ساختن آن بدفعه دوم قانون هذا مندرج است اما در توقف آن رسم فریق مرقومین مزاحمت رسانیده گفتند که اگر رسم اکور بتائی موقوف خواهد شد ما مردم خود ها را از حان خواهم گشت ریزیدنت صاحب بتاریخ هفدهم ماه جنوری سنه ۱۷۸۹ عیسوی اشتهار نامه دادند و اطوار آنها خیلی مقبوح و نامستحسن تصور نموده بانها اطلاع دادند که احکام قانون مذکور بعمل خواهد آمد و رسم اکور بتائی چون باندک جا رواج داشت لهذا احتمال اینمعنی نه بود که بجای دیگر احدی در موقوفی این رسم مزاحم خواهد گردید درینصورت ریزیدنت صاحب مناسب دانسته بعاملان اختیار دادند که در صورتیکه برهمنان وایتان بدای نقد خراج از تعدر نگذرند از آنها عوض نقد خراج بطریق اکور بتائی خواهند گرفت تا که فریق مرقومین بدادن خراج نقد و قبول کردن نرخ آن راضی بشوند و حکم هذا از حضور منظور گردیده است *

دفعه بیست و دوم

ذکر تعبیرات ریزیدنت صاحب من ابتدای سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق سنه ۱۷۹۴ و سنه ۱۷۹۵ عیسوی بمد نظر انسداد قبح سرشته بند و بست مقرری

میعاد بند و بست چهار ساله در سنه ۱۲۰۰ فصلی منقضي شده بود از آنجا که اکثر مستاجران و بعض مالکان زمین را اختیار بحالی پته تا حیات آنها بتاریخ یازدهم ماه فیروزی سنه ۱۷۹۱ عیسوی داده شده بود و قبول نکردند لهذا اراضی آنها بعمل امانی در آمده و بعلت فوتیدن چند کس مستاجر و وقوع قباحتها از عامل و اضافه شدن جمع بعض جا از ابتدای بند و بست لغایت اخر سنه مذکور

چند جا خالی شده بود بموجب حکم مصدوره نوزدهم ماه ستمبر سنه ۱۷۹۴ عیسوی ریزیدنت صاحب باز مهر کردن جمع آن مصروف گردیده مستاجرانی که ناحق بیدخل شده بودند آنها را و نیز وارثان متوفی مذکور را بحال نمودند و بر اراضیات گذاشته مستاجران مذکورین و اراضیاتی که بطریق امانی ذمه عاملان بود نیز بران زمینداران قدیم را بحال نمودند و بیش از دادن پته مقرری میپرداز جهت افزونی رراعات تدبیراتی که بعمل آورده بودند در برگه نرون و دهوس و چونسا همان تدبیرات با مالکان زمین و مستاجران بعمل آوردند چرا که بند و بست آن که در سنه ۱۱۹۷ فصلی استقرار یافته باعث اضافه شدن جمع آن و بعلت خشک سالی و آفت سماوی بطریق احسن بعمل نیامده بود و بند و بست سکتیس کده نیز بهمان صورت گشته بود بمه ماه اکتوبر سنه ۱۷۹۲ عیسوی باز از سرفوبند و بست سکتیس کده نمودند چرا که از تجربه چند سال منکشف گشته بود که آنچه بر جمع چند محال در برگه زمانیه متعلقه سرکار غازی پور سنکین شده بران تخفیف کرده شود چنانچه همان تخفیف بعمل آمده *

ذکر جدید بند و بست
گردیدن برگه نرون
و دهوس و چونسا و پنه
سکتیس کده و منتسلم
ساختن بند و بست
زمانیه

دفعه بیست و سوم

در ابتدای سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق غره ماه نوامبر سنه ۱۷۹۴ عیسوی حکمی بر جمع عاملان تنفیذ یافته و آنها را امتناع گردید که کسانی که پته از سرکار دارند بدون حکم ریزیدنت صاحب آنها را تغیر و تبدیل نخواهند ساخت و اگر بلااجازت صاحب مصروف تغیر و تبدیل خواهند نمود از عهده عاملی خود معزول خواهند شد و بتاریخ بیستم ماه جولای سنه ۱۷۹۵ عیسوی بر جمیع قانونگویان حکم اصدار یافته که هرگاه احدی از پته داران سرکار وفات یابد زود تر خبر آن رسانند بسبب اینکه عامل بدون اطلاع سرکار اراضیاتش بامانی داشتن نمی تواند *

ذکر امتناع عاملان در باب
تغیر ساختن پنه داران

دفعه بیست و چهارم

بدفعه نوزدهم نوشته می شود که در اصل قانون متضمن بند و بستیکه در سنه ۱۱۹۷ فصلی تقرر یافته حکم گردیده که در صورتیکه احدی از مالکان زمین و مستاجرانی که پته دارند و خراج بسرکار میروسانند اگر باثبات رسانند که عاملی از وزیر بیجا گرفته یا بنحوی دیگر ظلم و تعدی رسانیده درینصورت اختیار است که بتحصیل حضور درآید یعنی زر مالواجب سرکار را بمقام بنارس داخل سازد پیش عامل هاید نساژ اما بهمد نظر مزید تحفیظ پته داران سرکار بتاریخ سوم ماه اکتوبر سنه ۱۷۹۴ عیسوی اشتهار نامه بمضمون هلا صدور یافته بود که در صورتیکه پته داران

ذکر تفویض اختیار پته
داران درباره مالکدار
شدن حضور

داران مالضامن و فعل ضامن و حاضر ضامن یعنی دلجمعی ادای مال را چپ سرکار بر وقت و تقدیم حسن اعمال و رجوع آوردن عند الطلب حضور قبل از سنه ۱۲۰۲ فصلی بدهند از ابتدای سنه الیه مالگذار حضور می توانند مثل و نیز برای بهمرسانیدن اینقسم ضامن حکم بود که از خراج پته داران مذکورین آنچه ده یک و برائی عاملان می یافتند نصف آن پته داران خواهند یافت و بتاريخ نوزدهم ماه متمم سنه ۱۷۹۴ عیسوی اشتهار نامه مذکور بحضور گورنر جنرل منظور گردید الا اراضیات راجه صاحب و آکنای ارشان که مذکورش بدفعه ششم ضمن دفعه هفدهم واقع و نیز هوپرگنه رالوپور و تعلقه جالوپور و مواضع قرب و جوار بنارس که دیهات امانت می نامند و عملداری انجا ذمه راجه موصوف است ازین حکم خارج و مستثنی است اما بموجب حکم ناطق مرقومه دفعه نوزدهم پته داران همه جا و محالات متعلقه راجه صاحب که بند و بست آن در سرکار شده بود بشرط ثبوت ظلم و تعدی راجه موصوف بر خود ها حضوری میتوانند شد درینصورت بعملداری محالات راجه صاحب از دیگر محالات همینقدر اختلاف است که از روی اشتهار نامه که بدفعه هفدهم مذکورش گردیده پته داران اختیاران نمیدارند که بلائیمات ظلم و تعدی از عمل راجه موصوف خارج شوند چرا که این محالات عملداری راجه باراضیات موروثی شان متعلق نیست مگر احکام عدالت بطریق دیگر محالات بران نافذ خواهد بود و سمیل بعض احکام عدالت دریاب اراضیات موروثی راجه صاحب بقانون پانزدهم سنه ۱۷۹۵ عیسوی معین گردیده است *

ذکر تعلق نداشتن احکام
هذا بر اراضیات موروثی
راجه *

دفعه بیست و پنجم

ذکر طریق رفع نمودن
دعوی پته داران *

بعد از بند و بست مقرری دریاب رفع دعوی شراکت نسبت بقسمت زمینداری چنین قرار یافته که اگر کسی دعوی شرکت یا غیر شرکت زمینداری از روی وراثت یا وجه دیگر نماید درینصورت از جمله شرکا نام کسیکه در پته سرکار مندرج باشد انکس رئیس شرکا و نشان ده مالواجب سرکار متصور خواهد شد و دیگر شرکایش را قسمیکه بعد از سنه ۱۱۹۷ فصلی داشته شده همانقسم داشته خواهد شد درین معنی اگر نراض شوند اختیار است که دعوی خود را بعدالت دیوانی رجوع سازند *

دفعه بیست و ششم

ذکر اختیار داشتن سرکار
در نیلام کردن اراضی
مالداران *

وجهی حق سرکار درباره نیلام ساختن اراضیات بعلت و وصول باقیات خراج از روی اقرار زمینداران معین و مقرراست و در دفعه دوم ضمن دفعه چهاردهم ذکران شده اما بعد نظر رواج ملک بنارس الی الان هیچ جا نیلام نگردیده *

دفعه بیست و هفتم

بوقت تقرر بند و بست سنه ۱۱۹۷ فصولی عاملان از روی دین و ایمان خود ها اقرار نوشته داده بودند که بموجب جمع مندرجه پته که بتعلقه داران و زمینداران مواضع و مستاجران داده شده بود خراج سرکار خواهند گرفت و سواي ده یک و نصفي براي همکي زر خراج داخل سرکار خواهند کرد و چند قطعه اراضي و مواضع که از ان حین تا حال تعیین جمعی بعمل نیامده تحصیل مالواجب آن از روی تشخیص اعنی جایداد ذمه عاملان گردیده بود و جایداد آن اراضي و مواضع بعد تقرر بند و بست کاهی کمی و کاهی بیشی می شد و در سنه ۱۲۰۰ فصولی بعد انقضای میعاد پنج سال ذمه عاملانیکه اراضي و مواضع بود آنها دعوی منهای بابت ناجائی امانی محال نموده منها یافتند علاوه آن هر جا که جایداد زیاده از تخمین شده در انجاتاملی بکار رفته بود که خود عاملان یا عمله آنها متصرف گشته اند چونکه ماحصل امانی محال بعد منها گردیدن ده یک و برای بابت عاملان بانگی سرکار میرسد لهذا ریزیدن صاحب بتاریخ دوازدهم ماه جنوری سنه ۱۷۹۵ عیسوی حکم کرده بودند که از ابتدای ۱۲۰۴ فصولی جایداد مواضع امانی در هر برگه معرفت امین یا کسیکه باو اختیار تنقیح داده باشند منقح خواهد گردید و ماحصل آن بعد وضع ده یک و برای عاملان سرکار داخل خواهند ساخت چنانچه امانا بجهت تنقیح جایداد تعیین شده بودند و بانها حکم بود که پتواریان را از هر مواضع بطلبند و بمشافه قانونگویان و عماله عامل به تنقیح و تشخیص پرداخته جمعی که بران اراضیات یا مواضع بموجب ربع یعنی نرخ سنه ۱۱۸۷ فصولی گردد نمایند و بعد ان جمع بندی هر یک موضع بدستخط قانونگویان و پتواریان و عمله عاملان تیار کرده همراه ارنه زیباچه جمعیکه عاملان را دین خواهد شد موافق آن معین خواهد گردید و نیز بر عاملان حکم بود که در اثنای تجویز اگر متحقق شود که احدی از عاملان بعلاقه دار خود پته اراضي امانی مذکور بنرخیکه از شرح آن برگه خفیف باشد داده است آن پته باطل و نامسموع خواهد شد چرا که بعد تقرر بند و بست سنه ۱۱۹۷ فصولی عاملان اختیار نمیداشتند که جایداد خراج سرکار را بتصرف در آرنه صرف بطریق تحصیلداران نشاندند خراج سرکار بودند *

ذکر دفعات تحقیق ساختن امانی امال برای آیند *

ذکر متعین ساختن امین برای تنقیح جایداد حال *

ذکر صرف جوابده بودن عامل بابت خراج *

دفعه بیست و هشتم

چون اکثر روسا و متمول هندوستان پیش ریزیدن صاحب درخواست اراضي متصل شهر بنارس جهت احداث و تعمیر حدایتی و معابد بطریق لاخراج می نمودند

ذکر حکم در باب درخواست کردن اراضي لاخراج برای

قانون دوم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

مي نمودند در اينصورت تكميلي بر يزيديت صاحب رو ميداد لهذا گورنر جنرال
بتاريخ بيست و هشتم ماه جولائي سنه ۱۷۹۴ عيسوي مقرر فرمودند كه بدون اجازت
كسي را بدينصورت اراضي دادن نخواهند فرانست *

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

[Reg. 2 of 1795—21.]

قانون سوم ۱۷۹۵ عیسوی

قانون درباب تغییر و تبدیلی بعض احکام سابق و درست گردیدن احکام جدید پرمت شهر و اضلاع بنارس واقعہ بتاریخ بیست و ہفتم ماہ مارچ سنہ ۱۷۹۵ عیسوی مطابق شانزدہم ماہ چیت سنہ ۱۲۰۱ بنگلہ موافق بیست و یکم ماہ چیت سنہ ۱۲۰۲ فصلی مطابق شانزدہم ماہ چیت سنہ ۱۲۰۲ ولایتی موافق بیست و یکم ماہ چیت سنہ ۱۸۵۲ نسبت مطابق پنجم شہر رمضان سنہ ۱۲۰۹ ہجری *

دفعہ اول

قبل از درآمدن ملک بنارس بحوزہ اقتدار کمپنی انگریز بہادر محصول پرمت ہو اکثر اجناس آمدنی و رفتنی و بر اجناسی کہ در ان ملک پیدا نمی شد لیکن از ملک دیگر آمدہ از اثنای راہی ملک بنارس بممالک دیگر میرفت براندازہ وزن گرفته میشد در سنہ ۱۷۷۳ بند و بستنی کہ در سرکار شدہ بود بموجب ان گرفتن اینقسم محصول چند قسم اجناس خرید و فروخت تجارت کمپنی معاف گردیدہ و بند و بست مذکور لغایت بیست و دوم ماہ نومبر سنہ ۱۷۸۱ عیسوی بحال ماندہ در ان زمان حکم گردیدہ کہ چوکیات برای گرفتن محصول پرمت صرف در سہ جا مقرر گردد یکی بہ غازی پور دیگری بشہر بنارس سومی بہرزا پور و در ان جا ہا بر قیمت ہر اجناس فی صد مبلغ پنچ روپیہ محصول از روی نرخیکہ در بہی تقرر یافتہ است گرفته خواهد شد از تاریخ ہشتم ماہ اپریل سنہ ۱۷۸۲ عیسوی منجملہ محصول مقررہ بر آمدنی اجناس کرانہ اعنی مصالحہ از قسم مورچ و دارچینی وزعفران وغیرہ و ابریشم خام و فلذ اعنی مس و برنج و روئین و غیرہ فی صد تا مبلغ دو روپیہ ہشت آنہ از نسبت سابق تخفیف گردیدہ و بموجب قانون سرکاری کہ بتاریخ بیست و یکم ماہ اکتوبر سنہ ۱۷۸۴ عیسوی درست گردیدہ اجرا یافتہ حکم شدہ بود کہ مطابق نرخ مقرر کردہ سنہ ۱۷۸۲ عیسوی بر ابریشم و پارچہ ہای ابریشمینہ محصول گرفته شود و نیز در ان ہنگام نرخیکہ در بہی معین بود تبدیلی گردیدہ و امتناع شدہ کہ ہنچیک روپیہ در وجہ محصول گرفته نخواهد شد و نیز محصول سایر مذکور بکسی اجارہ دادہ نخواهد شد و در مرزا پور محصول ہر دو قسم مندرجہ و محصول کشتی ہای غیر معمولہ

قسمي که در احکام ۱۷۸۱ عيسوي بعمل نيامده بود به عرض وصول نخواهد آمد اکثر احکام سنه ۱۷۸۴ عيسوي اجرا نگردیده و چوکيات خشکي بنام چورا اعني بعض چوکي از قدیم مقرر بود بحال مانده و اکثر ازان بدستور سابق اجاره داده شده سواي ازين مالکان زمين و مستاجران بر کار و بار تجارت آن ديار محصول قسم ديگر مي گرفتند نيز و بچوکي خورد متعلقه هر سه مقامات معينه ملکور در تمامي ملک بنارس تحصيل مي نمودند و آنچه ممانعت جهت گرفتن هر دو قسم محصول و محصول بابت کشتيهاي غير محصول مقام مرزا پور شده بالکل بعمل نيامده بود و نيز حکمي که در باب گرفتن محصول بحساب فيصد دوروييه هشت آنه بالاي ابريشم سواي ابريشم خام که سناسيان و تجاران و هراتي مي آوردند و مي بردند بعمل نيامده بناه عليه باعث گران باري آنهمه محصول بکار بار آنها خسارت مي شد لهذا اجناس خود لها ار راه هاي بنارس نمي آوردند در اينصورت نايب را چه مناسب دانسته بانها عهد و پيمان کرده بدینوجه که بر قيمت ابريشم خام فيصد دوروييه هشت آنه و بر تهان هاي ابريشمينه فيصد پنجرويه بموجب قيمت آن که در روانه مرشد آباد مندرج گردد معرفت داروغه علمنده گرفته خواهد شد و بدريافت اينمراتب بتاريخ بيست و ششم ماه دسمبر سنه ۱۷۸۷ عيسوي گورنر جنرال بمل نظر تخفيف تصديع تجارت پيشکاني که در ملک بنارس و صوبه بنکالا و غيره تجارت مي نمايند حکم کرده بودند که قسمي که روانه در صوبه بنکالا و بهار و اوديسه داده مي شود هما تقسم روانه در ملک بنارس داده خواهد شد و هما نظور عملة راجه نقل آن خواهند داشت که هر جنس از صوبه بنکالا و بهار که در انملک آمدني گردد بر قيمت آن فيصد مبلغ دوروييه هشت آنه محصول گرفته خواهد شد بقياس اينکه در روانه هاي بنارس و ممالک محروسه کمپني نرخ يک قسم جنس يکسان باشد و قيمت اجناس که در اضلاع بنارس پيدا ميگردد يا از انجا بجاي ديگر ميرود از روي چالان تجاران معلوم خواهد شد علاوه آن محصول زمينداري و خشکي و ديگر جمله محصولات اجناس سراي آنچه که منظوري حضوري است موقوف خواهد گرديد و اگر کسی خواهد گرفت از او جرمانه معينه گرفته خواهد شد سواي آن يک محکمه عدالت بنام عدالت تجارت در زمينداري بنارس مقرر خواهد گرديد و در آن محکمه عدالت ريزيدنت صاحب خواهند نشست و نيز حکم شده که هر قسم مقدمه بابت بر خلاف شدن احکام قانون تجارت تجویز خواهند کرد و قانون بموجب مرقومه الصلر تيار گردیده از ابتدای غرة ماه اپريل سنه ۱۷۸۸ عيسوي بعمل خواهد آمد بعد تقرر قانون مرقومه حکم علمنده به نسبت گرفتن محصول بمقام مرزابور بابت تجارت دکن جاري گردیده بود و نيز گورنر جنرال با نواب وزير الممالک

وزیر الممالک بهادر قول و قرار به نسبت تجارت کرده بودند و در باب تجارت بنارس عهد و پیمانی که در میان آمده شرایط آن از ماه ستمبر سنه ۱۷۸۸ عیسوی بعمل خواهد آمد و نیز گورنر معزالیه با راجه نیپال قول و قرار به نسبت تجارت بنارس بدینوجه نموده بودند که از ماه اپریل سنه ۱۷۹۲ عیسوی بموجب عهد و پیمان گرفتن محصول بعمل خواهد آمد و در آن سال محصول بر اجناس که در اضلاع بنارس پیدا می شود یا تیار می گردد یا از انجا بملک دیگر می رود منجمه پنچروپیه تا نوروپیه هشت انه کمی گردیده و قانون در باب گرفتن محصول که بناریخ غره ماه اپریل سنه ۱۷۸۸ عیسوی بعمل آمده بود بعد از آن بسیاری از آن تبدیل گردیده و نیز حکم دیگر به نسبت اجرای کار محصول نفاذ یافته بود درینولا ضرور و واجب است که بعض مراتب تغییر و تبدیل شود بدین باعث که امور عدالت از عهده صاحب کلکتر خارج گردید لکن احکام به نسبت گرفتن محصول شهر و اضلاع بنارس تغییر و تبدیل گشته باز درست گردیده بموجب دفعات ذیل مندرج میگردد نافذ خواهد شد *

دفعه دوم

بموجب نقشه معینه قانون که از غره ماه اپریل سنه ۱۷۸۸ عیسوی جاری شده است مطابق حکم مقرری روانه از هر چهار کچهری پرمت صدر مقام اعنی شهر بنارس و غازی پور و مرزا پور و چونپور دانه خواهد شد *

ذکر اینکه روانه از چهار کچهری صدر دانه خواهد شد *

دفعه سوم

کچهری پرمت هر روز بلا تاغه و خواهد ماند و هر کس که برای روانه درخواست خواهد کرد بروز آینده آن خواهد یافت و بدون داخل گردیدن درخواست تحریر پذیرفته بدستخط تجاران یا کماشتکان آنها به تعداد قیمت خرید و قسم و مقدار اجناس و وزن آن داروغه پرمت روانه نخواهد داد در این صورت مالک جنس را باید که جهت دریافت قرار واقع که چقدر از روی وزن بنارس است در درخواست مندرج سازد که چنانکه جنس مسطور خرید کرده ام آثار انجا مبلغ فلان وزن داشت *

ذکر اینکه قبل دادن روانه در خواست تحریری موجب قراعل مسطور الهتمن خواهد گرفت *

دفعه چهارم

بر هر یک روانه مهر راجه و داروغه و مشرف و تحویلدار ثبت خواهد شد و تحویلدار را باید که بدون گرفتن زر محصول معینه هیچ یکی را روانه ندهد که سال اخر باقی نه افتد و عمده های مذکورین به نسبت خدمات خود ها مواهیر جداگانه پیش خود ها دارند و مهر راجه پیش داروغه خواهد ماند و هر یک

ذکر اینکه بر هر روانه مواهیر راجه و غیره ثبت خواهد گردید و ضمن ان نوشته خواهد شد

و اگر احدی از عمله
تقصیری خواهد کرد
بتقصیر اول او تا بیست
روپیه جرمانه اش خواهد
گردید و بتقصیر دوم از
کار خود معزول خواهد
شد *

عمله مذکورین مهر خود بر هر یک روانه ثبت کند و دستخط نماید و داروغه
بزیور مهر راجه این لفظ خواهد نوشت که مطلع شد و احتیاطاً ضمن او خواهد
نوشت و هر یک روانه بر یک نقشه تیار خواهد گردید و اگر کسی بر خلاف این
مراتب سهوی یا خطای بعمل آرد صاحب کلکتر را باید که برای تقصیر اول او
جرمانه که زیاده از بیست روپیه نباشد بگیرند بار دیگر از آنکس اگر اینقسم
حرکات ناشایسته بوقوع آید صاحب موصوف او را از خدمت او معزول خواهند
نمود و نیز صاحب موصوف را باید که هرگاه از کسی عمله مذکور جرمانه بموجب
دفعه هذا بگیرند یا معزول سازند برای دریافت صاحبان کونسل تجارت کیفیت
آن ارسال نمایند و صاحبان کونسل تجارت در ینماده هرچه شایان خواهند
دانست حکم خواهند داد *

دفعه پنجم

هر روانه که از هیچ یک کچهری پرمیت جاری خواهد شد تا مدت شش ماه برای
آن اجناس که کیفیت آن در آن مندرج باشد اکتفا خواهد کرد و اجناس مذکور
بوسیله آن تا شش ماه می تواند بود درینعرصه قابل عدم رفتنی متصور نخواهد
گردید و عمده پرمیت دیگر مقام از جمله چهار مقام سوای تحقیقات جنس
بموجب حکم حضور که تعلق بانها دارد زیاده مزاحمت کردن نخواهند توانست
و زیاده از یکروز آن اجناس داشتن نمی توانند در صورتیکه داروغه یا احدی
از عمله زیاده از یکروز بد آرد صاحب کلکتر را باید که هرچه خسارت مالک جنس
شده باشد بر داروغه یا عمله جرمانه ان نماید و صاحب کلکتر را بموجب
دفعه هذا آنچه اختیار داده شده باید که انرا بعمل آرند و کیفیت ان پیش
صاحبان کونسل تجارت ارسال نمایند اگر مالک جنس یا کماشته او از تجمییز
صاحب کلکتر ناراض شود اختیار دارد که نالش اینمعنی پیش صاحب عدالت
دیوانی نماید صاحب عدالت را باید که کیفیت آن مقدمه دریافتی آنچه مناسب
دانند تاوان و وجه خسارت آن از مدعی علیه بدهانند و بموجب ایماهی
صاحب کلکتر وکیل سرکاری سوال و جواب مقدمه مذکور خواهد نمود اما آنچه
نقصان در دگری اندراج یابد از عمله یا هر کس که از اینقسم جرم بوقوع
آمده باشد بمدعی خواهند دهانید و نیز آنکس را اختیار است که اگر از
دگری عدالت ناراض شود بکورت اپیل کند *

ذکر اینکه روانه کچهری
پرمیت تا شش ماه برای
آن اجناس که در روانه
مندرج باشد کافی است

دفعه ششم

حکمیکه بدفعه پنجم قانون هذا در باب بحال ماندن روانه جنس تا عرصه شش
ماه صادر

ذکر اینکه روانه تبدیل

شدن می تواند بشرطیکه
تجارت پیوسته باشد و رساند
که غیر آن اجناس که در
روانه مندرج است
نیست و روانه سابق
واپس دهد *

ماه صادر گردیده تشریح و توضیحش اینکه اگر کسی تجارت پیشه باراده داشتن
اجناس خود بمثل نظر اذنی از بازار زیاده از ميعاد مرسوم روانه دیگر برای شش
ماه در خواست نماید خواهد یافت بشرط اینکه خواه بعلف اظهار نماید که این
همان جنس است که در روانه سابق مندرج گردیده خواه بنهیج دیگر اثبات آن
کند و نیز روانه سابق واپس دهد و در صورتیکه کسی تجارت پیشه برای جماعه
اجناس یک روانه گرفته باشد و باز بتفریق اجناس بخواهد پس آنکس منجمله
اجناس مندرجه روانه جهت هر قدر جنس در خواست روانه خواهد نمود خواهد
یافت بشرطیکه باثبات رساند که آن جنس در روانه سابق مندرج گردیده است
و نیز روانه سابق مسترد دهد و در صورتیکه کسی تجارت پیشه بعد فایز شدن
مکان معهود مندرجه روانه حمله اظهار نماید که آنچه اجناس در روانه نوشته
می شود قدری از آن برده ام آنکس روانه جدید بدون داخل کردن رسوم نخواهد
یافت و برینقسم روانه ثانی مهر و نام تحویلدار ثبت نخواهد گردید عرض
آن مهر و تاریخ روانه سابق در متن روانه ثانی نوشته شود و داروغه را باید که
روانه سابق رد سازد بدین نمط که بر ظهر آن تاریخ روانه جدید بر نکارد بسبب
اینکه آینده آنرا در پیش ساخته روانه دیگر گرفتن نتواند *

دفعه هفتم

ذکر اینکه برای گرفتن
روانه جنسی که در بعد
مسافت باشد اگر در
خواست داخل کرده روانه
حاصل نماید و در جوکیات
متعلقه آن اگر چیزی
تفاوت از روانه مذکور
ظاهر شود جنس مذکور
ضبط خواهد گردید *

دفعه هفتم شامل است بر چهار دفعه اول اینکه بسبب تاخیر در میان نامدن
اجناس انتظامی خواه در راه خشکی و خواه تری داروغه های هر چهار مقام معینه را
باید که بوقت یافتن در خواست از مالک جنس یا کماشته جانب او محصول
گرفته بموجب در خواست مرقومه اش روانه بدهند اما در چوکیات متعلقه
مقامات مذکور و در هر چهار جای مزبور روانه مسطور مقابل شدن می تواند و
اگر اجناس مطابق روانه مذکور و در خواست ترقیمتی تجار نخواهد گردید پس
تمامی جنس کچه ری تحصیل بیکی از هر چهار کچه ری برصت هر کچه ری که
نزدیک باشد فرستاده خواهد شد و داروغه آن کچه ری معه کیفیت آن پیش صاحب
مکتر شهر و اضلاع بنارس خواهد فرستاد بصاحب مکتر اگر اینمعنی متحقق شود
که تجار مذکور مرتکب دغا کشته بود باید که بابت تغلب آن جنس بموجب دفعه
الدلیل جرمانه بگیرند و جنس مذکور ضبط نمایند بر اینمعنی مالک آن جنس
یا ملازمانش که از طرف او باشند اگر بفهمند که صاحب مکتر بر او نالحق حیف
و میل برده است آنها را اختیار است که در میان چهارده روز از روز انفصال پیش
صاحب جج نالش آن نمایند *

دوم اینکه چون محصول بر اجناس نهایت خفیف است و حاصل ساختن روانه خیالی اسان لهذا تجارت پیشکان را که از اضلاع بنارس اجناس می برند، و در آن اضلاع می آرند باید که قبل از رسیدن کشتی محاذی یکی از چهار کچه‌ری پرمت یا بوقت رسیدن کشتی محاذی هیچیک مقامات مذکور محصول آن داخل سازند و اگر کسی تجارت پیشه از محاذی مقامات مذکور کشتی خود را گذرانیده روانه نگرفته باشد کشتی او را قرق کرده دوچند محصول آن خواهند گرفت *

دوم اینکه تمامی عمده هر چوکی راه خشکی متعلقه کچه‌ری صدر پرمت را باید که هر جنس از راه خشکی برود آنرا قرق سازد تا اینکه مالک آن بصدر کچه‌ری کسی را فرستاده روانه حاصل نداید و اگر کسی تجارت پیش از رسیدن چوکی پرمت روانه نگرفته باشد یا خود یا مردم طرف او که ذمه اش جنس او باشد در آن چوکی وارد نگشته و بصدر کچه‌ری جهت حاصل ساختن روانه مردم فرستاده روانه حاصل نکرده باشد و از محاذی هیچیک چوکی خشکی که بسر حد اضلاع بنارس مقرر است بگذرد یا قصد گذشتن آن نداید و آنکس گرفتار آمده باشد پس بر اجناس او دوچند محصول لازم خواهد آمد *

چهارم اینکه هر تجارانی که اجناس خود را از راه کنک می برند اگر بدان محصول بیکی از هر چهار صدر کچه‌ری پرمت اسان خود انکارند اختیار است که هر جا که مناسب دانند در یکی از آن چهار کچه‌ری محصول داخل کنند بشرطی که اقرار این معنی نمایند که در هر کچه‌ری صدر که ازل خواهند رسید تنقیح جنس آن در آن کچه‌ری خواهد کردید و مچکا بدین مضمون خواهند داد که در هر کچه‌ری که بدان محصول خواهند داخل خواهند ساخت و داروغه آن کچه‌ری که در آن جا اینقسم اقرار نامه نوشته دهد باید که اقرار نامه مذکور را پیش آن داروغه که تجار قرار داد محصول در نزد او نموده بوقت فرستند *

دفعه هشتم

بنابر تنبیه تاجران و بیوپاریان و غیره که سواهی اجناسی که در روانه مندرج باشد جنس قسم دیگر نگیرند و نیز جنس بیش قیمتی و رای اجناس مرقومه روانه نه برند و به بردن آن عزم نکنند و خلاف چنان نگذرانند بر داروغه های هر چهار کچه‌ری پرمت که در یکی از آن جنس مذکور خواهد رفت اختیار داده می شود که اگر در اینقسم ممبرعات اشتباه افتد یا چیزی سراغ یافته باشند پروا نگی دهند

ذکر اینکه تجاران را باید که سواهی اجناسی که در روانه مندرج باشد جنس دیگر و نیز جنس بیش بها ماورا بمندرجه روانه نگیرند و اگر خواهند

ذکر اینکه اگر بدون روانه اجناس کسی بجا از راه خشکی برود آنرا قرق ساخته دوچند محصول خواهند گرفت *

ذکر اینکه هر تجار منجمله هر چهار کچه‌ری پرمت که اجناس خود از راه تری به برند هر جا بخواهد محصول داخل سازد *

گرفت جرمانه گرفته خواهد شد *

دهند که بسته از بستهها یش در میان کچهري بکشایند و اگر متعلق شود که تجار دغا و فریب بعمل آورده است پس باید که هر قدر پیادگان در کار باشند همراہ داده همگی اجناس پیش صاحب ملکتر ارسال نمایند و اگر پیش صاحب موصوف بائعات رسد که جنس مذکور آنچه در روانه است از حصه ششم آن یک حصه زیاده نیست پس همان جنس که زیاده از مندرجہ روانه باشد دوچند محصول بگیرند و اگر زیاده از حصه ششم و کم از چهارم حصه باشد باید که بالای همه اجناس که در روانه درج شده و به تنقیح افزود از آن بر آمده دوچند محصول خواهند گرفت و اگر از چهارم حصه زیاده برآید همه اجناس ضبط خواهد شد لیکن مغنی و محتجب نماید که حکم هذا صرف در باب گرفتن محصول دوچند یا ضبط کردن اجناسی که از روانه زیاده برآید متعلق است و بدیگر قسم اجناس که در روانه مندرج باشد بهیچ وجه نسبتی ندارد از آنجا که از روی دفعه هذا صاحب ملکتر را اختیار است که برای گرفتن دوچند محصول یا ضبطی اجناس حکم دهند علی هذا القیاس مالک آن جنس یا کسی که ذمه اش آن جنس باشد اختیار دارد که اگر از صاحب ملکتر چیزی خلاف حکم حضور بر خود تصور کند بعدالت دیوانی که نزدیک او باشد نالش نماید و صاحب عدالت را باید که اگر در خواست مدعی در عرصه چهارده روز بعد حکم صاحب ملکتر و ناراض شدن مدعی بگذرد تجویز و تحقیق نماید و صاحب ملکتر را بصورت مدعی علیه انکارند و اگر متخاصمین از دگری یا تجویز صاحب عدالت اپیل ناراض شوند بموجب قانون اپیل مقدمه مذکور کردن می توانند و صاحب عدالت را که در ضلعه متعلقه اش صاحب ملکتر حکم ضبطی داشته باشند اختیار است که اگر نالش آن در عرصه معینه شده باشد جنس مذکور بمستغیث واپس دهانند بشرطیکه بموجب اندازه قیمت آن جنس ضامن دهد بدین طریق که هر آنچه حکم یا دگری در آنمقدمه کرده آید آنکس بعمل آرد *

ذکر اینکه حکمی که صاحب ملکتر در باب گرفتن محصول و ضبطی اجناس خواهند داد در عدالت تجویز آن می تواند شد *

دفعه نهم

ذکر اینکه هرگاه اجناس از بنارس در صوبه بنگالا و غیره به برند محصول آن مطابق روانه خواهند گرفت همچنان هرگاه از صوبه بنگالا و غیره در بنارس به برند بموجب روانه بنگالا و غیره در آنجا محصول خواهند گرفت *

قسمیکه روانه بنارس متضمن قیمت اجناس در صوبه بنگالا و بهار و اودیسه جاری خواهد شد همچنان روانه صوبجات مذکور مشتمل بر قیمت اجناس در بنارس جاری خواهد گردید در اینصورت تجارت پیشکان را به تجویز قیمت اجناس خودها تاخیر در میان نخواهد آمد هرگاه اجناس از ملکی دیگر به برند محصول ثانی در آن ملک مطابق قیمت اجناس که در روانه مندرج باشد و آن روانه از ملکی که آمده اند در آنجا یافته اند دین خواهد شد *

[Reg. 3 of 1795-7.]

دفعه دهم

دفعه هدا مشتمل است بر دو دفعه اول اينکه اجناسيکه از بنگالا و بهار و اوديسه بموجب روانه معافي در ملک بنارس به برند محصول آن دران ملک معاف و مردوع القلم خواهند پنداشت درين صورت اجناسي که از ملک بنارس بدست آويز روانه معافي در بنگالا و بهار و اوديسه بيارند محصول آن نيز معاف و مردوع القلم خواهند پنداشت ليکن صاحب ملکتر را لازم است که بر ايناسم روانه دستخط نمايد و بر جميع روانه هائیکه محصول دادن خواهد شد دستخط ضرور نيست *

ذکر اينکه روانه هاي معافي هر دو ملک در يکيک ملک منظور و معتبر است

دوم اينکه بلایي آمدني سنکهاي سالگرام در بنارس و برقتني سنکها از کوه چنار کده و نيز در آمد و رفت ستران اعني کاوان واسپان و فيلان و غيره محصول گرفته نخواهد شد *

ذکر اينکه بر آمدني و رفتني سنکها سالگرام و بر ستران محصول گرفته نخواهد شد *

دفعه يازدهم

دفعه هدا مشتمل است بر شش دفعه اول اينکه تجاران و بيوپاريان براي رفاهيت و کفایت خودها معلوم نمايند که بهي نرخ که در سنه ۱۷۸۱ عيسوي تيار شده در سنه ۱۷۸۴ عيسوي درست گرديد؛ بود مطابق آن آيند؛ قيمت اجناس که بران محصول گرفته مي شود هيچگاه نچويز نخواهد گرديد بلکه قيمت اجناس و نرخ محصول بموجب احکام دفعات ذيل مقرر خواهد گرديد و گرفته خواهد شد *

ذکر اينکه بهي نرخ سابق در باب نچويز قيمت اجناس رد و منسوخ گرديد *

دوم اينکه بر جمله اجناس که بموجب روانه بنگالا و بهار و اوديسه در ملک بنارس برود و باز بملک دکن خواه بصوبه آود يا هيچیک بندر از بنارس مغرب ببرند يادر بنارس صرف گردد محصول آن بحساب في صد و رويه هشت آنه بر قيمت آن اجناس که از روي روانه باشد گرفته خواهد شد *

ذکر اينکه بر جمله اجناس که بوسيله روانه از صوبه بنگالا و غيره در بنارس برود محصول آن في صد و رويه هشت آنه گرفته خواهد شد *

سوم اينکه چون در باب تجارت قول و قرار فيما بين گورنر جنرال و نواب و وزير الممالک بهادر در سنه ۱۷۸۸ عيسوي گرديده بود لهذا در بنارس و هيچ يک ملک محصول معاف نخواهد گرديد و در روانه هر ملک مقدار و قيمت جنس نوشته خواهد شد که در هر ملک محصول بموجب قيمت اجناس که در روانه ملک ديگر مندرج گشته گرفته خواهد شد اما قيمت پنبه که از ملک نواب و وزير الممالک بهادر در بنارس بيابيد في من شش رويه منقح خواهد يافت و وزن آثار آن به نود و شش رويه سکه خواهد گرديد و بموجب آن قيمت در روانه او نوشتن خواهد شد و محصول آن بحساب في صد و رويه هشت آنه گرفتن خواهد شد و بهمان نرخ محصول پنبه و پارچه هاي ابريشمينه که از ملک نواب و وزير الممالک بهادر بيابيد مقرر گرديده است سواي پنبه و پارچه

ذکر اينکه بموجب قول و قرار نواب و وزير الممالک بهادر در بنارس و هيچ يک ملک محصول معاف نخواهد گرديد و محصولات مطابق مرقومه المتن بمعرض وصول خواهد آمد *

و پارچه آبریشمینه مندرجه قول و قرار مذکور بر جمله دیگر اجناس بموجب قیمتی که در روانه نوشته شود در بنارس فی صد پنجر و پیه گرفته خواهد شد اما اگر آن اجناس باز در صوبه بهار به برد پس نصف محصول در مقام بنارس و نصف دیگر در مقام مانجهی گرفته خواهد شد و حکم عام دانند که هرگاه اجناس از صوبه آود خواه بدون روانه خواه معه روانه خلاف احکام اعنی در آن مقدار یا قیمت اجناس موافق قول و قرار مندرج نباشد بیاید بر آن اجناس دو چند محصول گرفتن خواهد شد و قیمت آن مطابق بهی نرخ بنارس تجویز کردن خواهد گردید *

ذکر اینکه بر اجناسیکه از ملک نیپالی بیاید محصول آن فی صد دو رو پیه هشت آنه بر قیمت آن از روی چالان از اجار گرفته خواهد شد *

ذکر اینکه سوای پارچه شالینه بر همه اجناس که از ملک دیگر و از ملک دکن در مرزا پور بیاید محصول بحساب فیصد پنجر و پیه گرفته خواهد شد

چهارم اینکه بر اجناسی که از ملک نیپال بیاید محصول بحساب فیصد دو رو پیه هشت آنه از روی چالان تجارت پیشکان مطابق قول و قرار که در باب تجارت بمابین راجه انجا و گورنر جنرال در میان است گرفته خواهد شد اما اگر بوقت رفتن آن اجناس در صوبه بنگالا و بهار محصول گرفته باشند باز در رسیدن بنارس هیچیک محصول گرفته نخواهد شد *

پنجم اینکه بر تمامی اجناس که از دیگر ممالک بیاید محصول بموجب قیمت اجناس مطابق بهی نرخ بحساب فی صد پنجر و پیه گرفته خواهد شد مگر بر پارچه شالینه سوای بحساب فی صد دو رو پیه هشت آنه بموجب بیجک که همیشه در محصول موافق دستور مقرری تقرر یافته گرفته نخواهد شد و تجارت پیشه را باید که بیجک مذکور بصاحب بکلیتر معاینه گرداند و بران بیجک مهر راجه ثبت خواهد شد و نقل آن گرفته روانه بموجب آن تیار کرده بمالک جنس داده خواهد شد اما گاه گاه می تواند شد که نزد سوداگران پارچه های شالینه بیجک نمی ماند بسبب اینکه قبل از ورود بنارس در اثنای راه چیزی بفروش می در آرند در همچنین حالات سوداگران مذکور را بکچهری پرمیت طلبیده رو بروی سه چهار کس تجارت همیشه معتبر قیمت بقیه نالش منقح باید ساخت *

ذکر مقدار محصول بر اجناس پیدای و ساختگی ملک بنارس که بطرف دیگر رود *

ششم اینکه بر تمامی اقمشه و اجناس که در ملک بنارس پیدا می شود یا ساخته میگردد بوقت روانگی محصول بحساب فی صد دو رو پیه هشت آنه مطابق قیمت مندرجه چالان گرفته خواهد شد بعد از چالان مذکور مهر کچهری پرمیت ثبت خواهد گردید و نقلش گرفته اصل چالان بمالک مال حواله خواهد شد و بالای نبل محصول بموجب مندرجه بهی نرخ گرفته خواهد شد اگر کسی قند یا شکر در ملک بنارس برده مصری از آن تیار کرده بمالک دیگر به برد محصول از آن گرفته نخواهد شد بشرط اینکه بر خلاف رعایت مذکور حیل نه نماید اگر حیل خواهد نمود تمامی مال بموجب احکام که بدفعه هشتم در باب ضبط کردن مان مقرر است ضبط خواهد شد *

دفعه دوازدهم -

ذکر اینکه اگر کسی عمده پرمت رسوم غیر واجبی بگیرد از سه چند آن جرمانه گرفته خواهد شد

سواي محصول که بر آمدنی و رفتنی مندرجه دفعه صدر گرفتن مقرر است دیگر به هیچ وجه محصول یا رسوم یا دستور بابت راهداری و فروخت و خرج بر هیچ یک اجناس در کنجیات و بازار و هات و پیت و مواضعات و قصبات یا جای دیگر گرفتن نخواهد شد و اگر کسی از عمده کچهری پرمت در باب راهداری یا رسوم یا دستور بابت محصول و فروخت و خرج بر اجناس خواهد گرفت سه چند آن بطریق جرمانه از او گرفته خواهد شد و آنچه جرمانه شود صاحب تکثیر را باید که آنکس را که از ویکی از محصول ممنومه حضور گرفته باشد بطریق تاوان از گیرنده بد هاند و نیز صاحب موصوف را اختیار است که اگر کسی بنام عمده متعلقه پرمت تابع او شان نالش اینقسم مقدمه نماید شنیدن می تواند و مبلغیکه بیجا گرفته باشد واپس دهانیدن آن و جرمانه گرفتن و معزول کردن اختیار دارد باید دانست اگر صاحب تکثیر بلا توقف و اهمال عند التجویز حق مستغیث ندهاند مستغیث را اختیار است که نالش اینمعنی پیش صاحب جج عدالت دیوانی نماید و در صورت نالش بعدالت دیوانی تجویز مقدمه اش بصورت دفعه پنجم قانون هذا خواهد گردید *

دفعه سیزدهم

ذکر اینکه داروغه و دیگر عمده های پرمت را باید که بر فتن تجاران و بیوپاریان و غیره مزاحمت رسانند که منفعت آن از روی دفعه هذا بانها خواهد رسید *

داروغه های پرمت که از مردمان اینملک باشند و عمده های تابع آنها را باید که حفظ و حراست تمام بعمل آرند که احدی از تجاران و بیوپاریان و غیره بعلوم روانه یا مع اینقسم روانه که از هیچ یک چهار صدر کچهری پرمت یافته باشند و در آن روانه یک تعداد باشد و جنس زیاده از آن تعداد شود یا تحمیل و فریب از معاذی چوکیات متعلقه چهار صدر کچهری پرمت گذر نکند خواه آن اجناس از یک مقام صدرا یا از هیچ یک هر سه صدر مقام دیگر می آید یا می رود بسبب فواید داروغه و عمده ها حکم داده می شود که اگر داروغه ها و عمده ها حکم مندرجه صدر بهوشیاری تمام بعمل خواهند آورد هر آنچه اجناس بی اجازت به برد آنرا قرق خواهند ساخت و اگر بعد از آن اجناس ضبط شده بفروش خواهند رسید بموجب حکم مندرجه دفعه هشتم از قیمت فروش آن فی رویه دوازده انه یکیک کس حصه موافق تفصیل الذیل خواهند یافت *

داروغه	۱	مشرف	۲
تعمیرکننده	۲	تلاش کننده	۲

همگی دوازده انه باقی چهار انه در سرکار داخل خواهد شد *

دفعه چهارم

دفعه چهاردهم

ذکر اینکه سوای مشرف و تحویلدار داروغه ها جهت نمامی عمله تابع خود جوابده خواهند شد *

سوای مشرف و تحویلدار دیگر همگی عمله ها خواه صدر خواه مفصل که توابع داروغه ها باشند به نسبت هر یک از آنها داروغه جوابده خواهد شد و از عمله ها بمسب رهائی یافتن از مضرت آینده مچلکا و ضامنی خواهد گرفت و اگر چیزی قصور یافتور از آنها بوقوع آید تاران ان گرفتن تواند و اگر کسی از خود کسی را از عمله معزول سازد باعث مغزولی آن بصاحب کلکتر اطلاع نماید و اگر کسی داروغه و یا عمله صدر یا مفصل تابع او چیزی رسوم یا هیچ یک مبلغ از کسی تجارت پیشه یا احدي دیگر بگیرد و آنکس بموجب دفعه دوازدهم بنام آن داروغه پیش صاحب کلکتر یا صاحب جمج عدالت دیوانی نالش نموده دعوی خود بانمات رساند پس از داروغه یا عمله هر آنچه گرفته باشد سه چند آن بطریق جرمانه از و بگیرند و نیز صاحب کلکتر یا صاحبان کونسل تجارت ان داروغه یا عمله را که از او این قسم جرم بوقوع آمده معزول کردن می توانند اما از عمله که بدین قسم امر بیجا سرزده و ان عمله معزول شده باشد و عرضش از داروغه وجه جرمانه گرفته شده داروغه مذکور اگر بنام آنکس نالش خواهد کرد جرمانه مذکور از آنکس خواهد یافت و مشرف و تحویلدار جوابده کار خودها خواهند شد و احکامیکه بموقومه الصدر دفعه هدا در باب جرمانه گرفتن و معزول ساختن داروغه مندرج گشته بر انها لازم خواهد آمد *

دفعه پانزدهم

ذکر اینکه داروغه ها را باید که فرد اسم نویسی عمله های تابع خود پیش صاحب کلکتر ارسال نمایند *

هر یک داروغه ها را باید که فرد اسم نویسی عمله های تابع خود پیش صاحب کلکتر ارسال نمایند و شامل حساب ماشواری رسید های عمله مذکور که بابت یافتن زر مشاھرہ دست اویز انها است ترسیل دارند *

دفعه شانزدهم

ذکر اینکه حکم علیحدہ در مقدمه تجارت دکن در مقام مرزا پور جاری گردیده بود *

ذکر اینکه بمجرور رسیدن اجناس بدروازه دکن تلاشی کرده خواهد شد ذکر اینکه بعد ادای محصول آمدنی رونه داده خواهد شد *

دفعه هدا مشتمل است بر هفت دفعه اول اینکه احکام دفعات ذیل که در باب گرفتن محصول بابت تجارت دکن در مندوی اعنی بندر مرزا پور بمهه اپریل و دسمبر سنه ۱۷۸۸ و بمهه اپریل سنه ۱۷۹۰ عيسوي جاری گردیده بود *

دوم اینکه تجارت پیشگان دکھنی که اجناس از راه خشکی می آرند بوقت رسیدن سمت جنوبی دروازه بهاتک مندوی تلاشی آن کرده خواهد شد *

سوم اینکه از جمله اجناس هر قدر که فروخت خواهد گردید مطابق قیمت مندرجه بھي نرخ بالای ان محصول بحساب فی صد پنجر و بیه گرفته خواهد شد و روانه بنام اصل آرندہ جنس مذکور داده خواهد شد *

ذکر اینکه در باب بعض اجناس عوض روانه چهر چتي دادن خواهد شد *

چهارم اینکه بمل نظر سرعت اجرائي کار بموجب درخواست تجارت پیشکان دکھني حکم شد که عوض روانه قطعه چهر چتھي یک مھري براي هر اجناس که از مندوي مرزا پور تا دکن ميروود داده خواهد شد بشرطیکه جنس مذکور بیشتر در مندوي آورده و محصول بابت بنارس داده باشد ليکن در باب اجناس که بسبب پيدائي و ساخت ملک بنارس اگر کسی بي روانه و محصول در مندوي برده هرگاه تجارت پیشکان در دکن آن اجناس بمرند بايد که روانه بموجب نقشه مجوزہ قانون که از ابتدای غره ماه اپريل سنه ۱۷۸۸ عيسوي تقرر یافته بکیرند *

ذکر اینکه نارجيل پوست داربایي پوست یکسان منصور خواهد شد *

پنجم اینکه نارجيل پوست داربایي پوست یکسان تصور خواهند کرد و در بهي آمدني کچھري پرمات مرزا پور یکسان مندرج خواهد گردید *

ذکر اینکه محصول هر اجناس دکھني نصف از آرند و نصف از خریدار گرفته خواهد شد *

ششم اینکه بند وبستي که تجارت پیشکان دکھني بابت تجارت مرزا پور خواسته بودند و گورنر جنرل آنرا بماه دسمبر سنه ۱۷۸۸ عيسوي منظور فرموده بودند شرحش اینکه محصول بحساب فیصد پنجروپيه بر اجناس تجارت پیشکان که لازم مي آید نصفي آن از آنها گرفته خواهد شد و نصف ديگر از کسانیکه اجناس مذکور باراده بردن و بفروش آوردن بیرون از سرحد مندوي در مندوي خرید کرده باشند گرفته خواهد شد و حسب منظوري گورنر جنرل حکم شد که در صورتیکه تجارت پیشکان دکھني اجناس در مندوي آورده در آنجا فروخته بمل نظر کفایت خود ها بجای ديگر بردن نخواهند پس از محصول معينه نصف از آنها گرفته خواهد شد اعني همه محصول سرکاری که مبلغ پنجروپيه مقرر گردیده است از آنها گرفته خواهد شد *

ذکر اینکه بالای آمدني پنجه دکھني بحساب في من هشت روپيه قيمت مقرر گردید *

هفتم اینکه قيمت پنجه که دکھني تجارت پیشکان در مندوي مرزا پور و بجای ديگر در ملک بنارس مي آوردند در بهي نرخ بحساب في من دوازده روپيه مندرج شد؛ بود چون اينقدر خيلي افزون منصور گردید لهذا بعد از ماه اپريل سنه ۱۷۹۰ عيسوي قيمت پنجه في من هشت روپيه مقرر گردید *

دفعه هفدهم

ذکر اینکه سلاح و ساز جنگ بدون پروانه سرکار کسی بردن نخواهد توانست *

امتناع گردیده که اتواب و بناديق و غيره اسلحه بلوتي و سلاح و ساز جنگي براي حاکمان ملڪي يا بعض مردم بدون پروانه حضور کسی نه بود لهذا بر عملة پرمات تاکید حکم مي شود که امتناع هذا را بعنوان شايسته بعمل آرند و در حدود آنها به بردن اينقسم سلاح و ساز اگر کسی قصد کند سلاح و سازش قرق خواهند

قانون سوم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

خواهند نمود و آنچه سلاح و ساز بقرق در ايد قسميکه بدفعه هشتم قانون هدا
در باب ضبطي اجناس حکم است هما نفسم جهت کار سرکار ضبط خواهد کرديد
و نالش آن بعدالت ديواني مي تواند شد *

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

قانون چهارم ۱۷۹۵ عیسوی

قانون در باب امتناع تحصیل سایر شهر و اضلاع بنارس واقع بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنگله موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۸۵۲ سنمت مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری *

دفعه اول

پیش از بعیطه تصرف در آمدن ملک بنارس به کمپنی انگریز بهادر و لغایت سنه ۱۷۸۱ عیسوی سواي سایر ات آمدنی و رفتنی از تمامی ملک بنارس سایر چلنته می گرفتند اگر چه در سنه الیه حکم صادر گردیده بود که سواي مقام غازی پورو بنارس و مرزایور در جایی دیگر محصول چلنته گرفته نخواهد شد و همان حکم باز در سنه ۱۷۸۴ عیسوی نافذ شده باوصف اینقسم ممنوعات حضور بکار و بار تجارت انملک اقسام چلنته چیزی به کچھری پومت و چیزی عاملان و چیزی زمینداران و اجاره داران توابع آنها لغایت سنه ۱۱۹۴ فصلی مطابق ماه سپتمبر سنه ۱۷۸۷ عیسوی گرفته خلل اند از کاروبار تجارت ان دیار می شدند بعد سنه مذکور احکام و تدبیرات که درباره رفع خلل کاروبار تجارت انملک که جهت گرفتن سایر چلنته بولوع آمده بود درینولا آنچه احکام بتفصیل ذیل مندرج میگردد *

دفعه دوم

در سنه ۱۱۹۵ فصلی بوقت بند و بست عاملان در قبولیت خود ها اقرار اینمعنی نوشته بودند که از سایر چلنته بابت مسموله غله جات و دیگر اجناس خرید و فروخت اینملک دست بردار خواهیم شد و بیشتر همین سایر چلنته شامل مالکنداری اراضی تحصیل مینمودیم و اگر بگیرییم سه چند ان بطریق جرمانه بسرکار داخل خواهیم کرد *

ذکر اینکنداری و غیره
سایر چلنته که زمینداران
و عاملان می گرفتند
موقوف شده *

دفعه سوم

بتاریخ بیست و هشتم ماه دسمبر سنه ۱۷۸۷ عیسوی گورنر جنرال حکم کرده بودند

که سائزات زمینداری و نیز سهمگی محصولات سوای آنکه از حضور منظور است موقوف گردد و اگر متعلق شود که کسی برخلاف احکام هدا محصول از اجناس چهاران گرفته از آنکس جرمانه گرفته خواهد شد *

دفعه چهارم

بطرفق دفعه سوم مرتوم در دفعه سیزدهم قانونی که درباب گرفتن خزانه پرمست بتاریخ بیست و نهم ماه مارچ سنه ۱۷۸۸ عیسوی که از ابتدای غره ماه اپریل بعمل آمده بود که سوای چهار کچه پرمست که در چهار جا اعنی در شهر بنارس و غازی پور و جونپور و مرزاپور واقع است در جای دیگر بهیچوجه محصول یا سایر چلنته گرفته نخواهد شد و چیزی و جنسی که بطرفی از اطراف بنارس پیدا می شود یا تیار میگردد و سمت دیگر در میان بنارس و مرزاپور و غازی پور و جونپور بفروش یا بخرج درآید سوای اجناسی که جهت فروخت بملک دیگر فرستاده شود محصول معموله گرفته نخواهد شد و اگر کسی بدو عی محصول از همچنین اجناس برخلاف این قسم امتناع بگیرد آنچه خواهد گرفت سه چند ان بطریق جرمانه خواهد داد و مردمانیکه از آنها اینقسم محصول بوصول در آمده بمل نظر فواید آنها جهت نالش بکچه پرمست عدالت دیوانی که نزدیک باشد حکم است و در صورت نالش صاحب جج را باید که تجویز و تنقیح مقدمه مرجعه قرار واقع کرده باستعجال تمام همه جرمانه که بگرفتن آن اجازت است بمذعی بدها نند *

دفعه پنجم

سایراتی که عاملان و مالکان اراضی می گرفتند شامل بند و بست سنه ۱۱۹۶ فصلی مطابق ماه سپتمبر ۱۷۸۸ عیسوی که از روی کاغذات اندازی مال و ابواب کرده شده نیامده بود زیرا که در سنه ۱۱۹۵ فصلی موقوف گردیده بود بقبولیت عاملان اقرار اینمعنی در میان آمده که از ابتدای سنه ۱۱۹۵ فصلی تمامی سایرات و محصول غلات بموجب حکم حضور موقوف شده آنها نخواهند گرفت درینصورت نمی باید که آنها یا مردمان جانب آنها سایرات و غیره تحصیل سازند و گر باوجود موانع حضور تحصیل نمایند هر قدر خواهند گرفت سه چند ان بطریق جرمانه در سرکار خواهند داد و مسوده قبولیت بمضمون ملکور بانها داده شده باید که همانقسم قبولیت از کتگنه داران و زمینداران مواضع و مستاجر ان بگیرند *

دفعه ششم

بهنگام بند و بست مقرری که با زمینداران و اجاره داران تعلقات و مواضع بابت سنه ۱۱۹۷

زمینداری سوای منظوری حضور موقوف گردیده

ذکر اینکه تمامی محصول زمینداری و راهداری و کنجیات و غیره موقوف شده و اگر کسی خواهد گرفت جرمانه از ان کس گرفته خواهد شد *

ذکر اینکه اقرار عاملان برین نمط است که از تحصیل سایرات دست بردار خواهند شد *

ذکر اینکه در سنه ۱۱۹۷ فصلی

قانون چهارم سنه ۱۲۹۵ عیسوی

سنه ۱۱۹۷ فصلی شده بود به قبولیت خودها هما تقسم اقرار که در سالهای گذشته با عاملان در میان آمده کرده بودند که چون از ابتدای سنه ۱۱۹۵ فصلی تمامی سایر و محصولات را اهداری و هیروه موقوف شده است تحصیل نخواهیم کرد در صورت گرفتن آن سه چند ان بطریق جرمانه خواهیم داد *

ذکر اینکه اقرار عاملان بابت سنه ۱۱۹۷ فصلی در باب گرفتن محصول کنجیات و غیره است *

دفعه هفتم
در ایام تقرر بند و بست مقوری عاملانیکه جهت تحصیل مالواجب سوکار بموجب بند و بست مذکور مقرر شده بودند اقرار جنید بضمون هذا کرده بودند که چون از ابتدای سنه ۱۱۹۵ فصلی تمامی محصول کنجیات و اهداری و غیره سایرات موقوف گردیده لهذا محصولات مذکور بهیچوجه نخواهیم گرفت و نیز کسی را گرفتن نخواهیم داد و اگر بر خلاف اقرار مذکور بکیرم یا بکیرند آنچه گرفته شود سه چندان بطریق جرمانه خواهیم داد *

ذکر اینکه اگر بر خلاف حکم محصول بکیرد نالش و تجویزان در عدالت خواهد شد *

دفعه هشتم
امتناعی که بدفعات مرقومه الصادر گردیده باید که تمام و کمال آن بعمل آرند اگر بر خلاف آن چیزی بوقوع آید آنچه جرمانه از روی قانون هذا لازم می شود صاحب جج را باید که در صورت باثبات رسیدن اینمعنی بدالت دیوانی تمامی جرمانه مذکور از کیرنده بکسی که از اینتقسیم محصول بیجا برصول آمده باشد خواهند دهانید *

ذکر اینکه مقدمه گرفتن محصول بیجا بموجب قانون هذا پیش از مقدمات دیگر تجویز خواهد گردید *

دفعه نهم
اگر از تجاران و هیروه اینتقسیم محصول بیجا گرفته شود واجب است که آنها بزودی بداد خود ها رسند درینصورت صاحب جج عدالت را اجازت است که هرگاه نالش اینمعنی در پیش شود تجویز مقدمات دیگر موقوف داشته فی الفور تجویز و تحقیق آن نمایند که ازین جهت کسانیکه بدعت کشیده اند بسرعت تمام بحق خودها رسند *

ذکر اینکه بصاحب کلکتر و داروغهای کچهری برمت اشتهاار داده شد که از گرفتن محصول مردمان را باز دارند *

دفعه دهم
بدینتقسیم شدن می تواند که اگر از تجاران و غیره که از آنها زمینداران و غیره محصولات بیجا گرفته باشند در عدالت دیوانی مستغاثی نه شوند پس بعد نظر حفاظت کاروبار تجارت از گرفتن محصول بیجا داروغهای کچهری برمت هر چهار جای مذکور را باید که اگر کسی زمیندار یا مستاجر یا غیر ذالک چوکی جهت گرفتن

محصل کنجیات و راهداری و غیره مقرر سازد یا قصد نشانیدن ان کند از نشانیدن و مقرر ساختن بدین وتیره چوکی بیجا صاحب ملکتر را اطلاع دهد و اگر انکس فی الفور چوکی مذکور برداشته ندهد و نیز هرچه محصول بیجا گرفته باشد پیش صاحب ملکتر انرا داخل نسلو ملک صاحب ملکتر را باید که بنام ان زمیندار یا مستاجر و هیره برای برداشته دادن ان چوکی و یا قتن جرمانه مذکور بعدالت دیوانی نالش نهائیند از کسانی که محصول گرفته شده صاحب جج اورا و پس بدشانند *

A TRUE TRANSLATION.

H. P. FORSTER.